

تبیین و شناخت مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی کلانشهر تهران (با تأکید بر منابع جغرافیایی قدرت با ماهیت انسانی)^۱

آرش قربانی سپهر

دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

افشین متقی دستنائی^۲

دانشیار جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

جوزف سالوکوآدز

استاد دانشگاه ایوان جاوخشلی، دانشکده علوم اجتماعی، تفلیس، گرجستان

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۱۳

چکیده

شهرها از جمله پدیده‌های جغرافیایی- انسانی هستند که از اهمیت و جایگاه برجسته‌ای در معادلات سیاست و قدرت برخوردارند. شهرها از گذشته تاکنون مقر حاکمان، نماد و فضایی برای اعمال قدرت در قلمرو حکومت و نیز محلی برای نمایش شکوه قدرت و کشمکش بر سر قدرت بوده‌اند و از این رو تبیین شهر امری پیچیده است. از طرف دیگر شهرها به طور پیوسته میدان رقابت‌اند به طوری که بازیگران سعی می‌کنند بخش بیشتری از منابع و سرمایه‌های متحرک مالی و انسانی آن‌ها را جذب کنند. با توجه به این مقدمه اگر شهرها و به ویژه کلانشهرها را کانون منابع و ثروت برای تولید قدرت در نظر بگیریم در ایران کلانشهر تهران به عنوان کانون تولید قدرت در کشور بشمار می‌آید که دارای منابع جغرافیایی- انسانی قدرت بسیاری است که بازیگران در تلاش‌اند با در اختیار داشتن این منابع به شکل دادن به مناسبات قدرت پردازند. در این بین ابعاد انسانی ژئوپلیتیک کلانشهر تهران شامل منابع قدرتی هستند که بازیگران در پی کسب و بهره‌برداری از آن هستند. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش توصیفی- تحلیلی در پی شناخت مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی با ماهیت انسانی در کلانشهر تهران می‌باشد. بر پایه یافته‌های پژوهش، کمیت جمعیت، کیفیت جمعیت، ساختار جمعیت، تنوع جمعیت، مرکزیت احزاب سیاسی، مدیریت شهری کارآمد، مشارکت سیاسی- اجتماعی شهروندان از جمله منابع جغرافیایی قدرت با ماهیت انسانی در کلانشهر تهران می‌باشد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی با ماهیت انسانی به کلانشهر تهران مزیت رقابتی بخشیده است تا بتواند در سطوح (ملی و فراملی) نقش آفرینی کند و برای این شهر جایگاه ژئوپلیتیکی کسب نماید.

کلیدواژه‌گان: کلانشهر تهران، ژئوپلیتیک شهری، منابع جغرافیایی قدرت، بازیگران ژئوپلیتیکی.

^۱. این مقاله مستخرج از رساله دکتری با عنوان «تحلیل اهداف بازیگران بر آینده مناسبات قدرت در کلانشهرها (نمونه: کلانشهر تهران)» در دانشگاه خوارزمی، دانشکده علوم جغرافیایی، گروه جغرافیای سیاسی، به راهنمایی دکتر افشین متقی در حال انجام می‌باشد.

^۲. (نویسنده مسئول): a.mottaghi@khu.ac.ir

مقدمه

شهرها پدیده‌های مکانی - فضایی هستند که بر مبنای بستر جغرافیایی شکل گرفته‌اند و رشد پیدا کرده‌اند، اما در کنار این بستر جغرافیایی که غیر قابل انکار است می‌توان گفت شهر، مهم‌ترین شکل سازمان‌یابی زندگی اجتماعی بشر در عرصه فضا محسوب می‌شود. جغرافیدانان بر این عقیده‌اند که شهرها در بستر جغرافیا و در راستای تحقق اهداف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با اندام، وزن و نقش خاص شکل می‌گیرند. در واقع شهر سیستم متشکلی از داده‌های فیزیکی، جمعیتی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که در حالتی ترکیبی و مرتبط با هم مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرند. از این‌رو می‌توان نظام حیات شهری را نظامی باز و متشکل از ابعاد کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر بستر نهاده‌های محیط طبیعی دانست که سامان اجتماعی و فضایی آن در یک ارتباط توپولوژیک و در هم تنیده تحت تأثیر، نظارت، هدایت یا کنترل فرایندهای نهادی و سیاسی ایجاد و تحول می‌یابد (کمانرودی‌کجوری و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۲). بر این مبنای می‌توان گفت، شهرها این پدیده‌های فضایی - جغرافیایی دارای پیچیدگی‌های زیادی هستند (جان پرور و قربانی سپهر، ۱۳۹۷: ۲۹۰) که نیاز است مطالعات بسیاری بر روی آن صورت گیرد. از این‌رو، فضای شهرها و حوزه نفوذ آنها با توجه به منابع موجود در آنها نقش‌آفرینی گسترده‌ای در سطوح (محلی، ملی، فراملی) پیدا کرده‌اند. بر این بنیاد، شهرها دارای منابع جغرافیایی قدرت با ماهیت انسانی بسیاری هستند که برخی شهرهای جهان که توسعه یافته‌اند به خوبی این منابع را در خود شناسایی کرده و سپس توانسته‌اند از آن به‌طور نظاممند بهره‌برداری کنند که به شهرهای جهانی و جهان شهرها تبدیل شده‌اند. البته باید توجه داشت این شناخت محدود به نیروی انسانی نمی‌شود و موارد مختلفی که به صورت‌های مختلف زمینه‌ساز شکل‌دهی به قدرت مبتنی بر منابع جغرافیایی قدرت هستند را نیز در بر می‌گیرد.

بنابراین، بهبود کیفیت زندگی شهری در کلانشهر تهران متأثر از منابع مختلفی است که در فضای شهر تهران وجود دارد. این منابع جغرافیایی در کلانشهر تهران زمینه شکل‌گیری بازیگران بسیاری شده که هر کدام از آنها با منابعی که در اختیار خود دارند به نوعی بر فضای شهر تهران اثر می‌گذارند، تعدادی از بازیگران با در اختیار داشتن منابع طبیعی برای خود قدرت کسب می‌کنند، تعدادی دیگر با در دست داشتن منابع انسانی ارزشمند برای خود قدرت - آفرینی می‌کنند. لذا می‌طلبد بازیگران برای آنکه وارد مناسبات قدرت در فضای شهر تهران به‌عنوان پایتخت کشور شوند، به منابع جغرافیایی قدرت (مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی) دسترسی داشته باشند و آن را کسب کرده باشند که در غیر این صورت اگر آن منبع را نتوانند حفظ کنند، نمی‌توانند وارد رقابت با سایر بازیگران شوند که در این صورت از حلقه قدرت بازیگران ژئوپلیتیکی کلانشهر تهران خارج می‌شوند. بر این اساس، مقاله حاضر با روش توصیفی - تحلیلی در پی آن است مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی کلانشهر تهران (با ماهیت انسانی) را که برای بازیگران ژئوپلیتیکی کلانشهر تهران قدرت‌آفرینی می‌کند را شناسایی نماید که این شناسایی می‌تواند به تحلیل اهداف بازیگران از مناسبات قدرت در کلانشهر تهران کمک شایان توجهی نماید.

مبانی نظری

یکی از بحران‌های تعاریف مفاهیم در علوم گوناگون، آشفتگی این تعاریف است، بدین ترتیب منظور از آشفتگی درهم‌تنیده شدن مفاهیم در یکدیگر است که درک مفهوم آن را برای خوانندگان مشکل می‌نماید و افراد با توجه به جهان‌بینی خود تعبیری از آن مفهوم را ارائه می‌نمایند. از این‌رو، در ایران، آشفتگی و نابه‌سامانی مفاهیم در حوزه

علوم اجتماعی از آنجا نشأت می‌گیرد که فرهنگ لغت مناسبی در این زمینه وجود ندارد که بتواند آشفتگی مفاهیم در این علوم را درمان کند و از طرف دیگر ترجمه آثار بر آشفتگی و ابهام آن نیز افزوده است (قربانی سپهر و جان پرور، ۱۳۹۷:۳). بر این مبنای، در این بخش تلاش خواهد شد، به صورت ریشه‌ای به مباحث پایه‌ای که ساختار پژوهش حاضر را شکل می‌دهد، اشاره شود.

واقعیت شهر در عصر جدید نیز با مجموعه‌ای از روابط مبتنی بر فیبر نوری^۱ در مقیاس درون شهری، برون شهری، مقیاس‌های ملی و بین‌المللی و حتی در سطح فراتر یعنی درون سیاره‌ای آمیخته شده است (Graham, 1998:946) و در جریان این روابط «قدرت» و «رقابت» ماهیتی تعیین کننده دارند. از سویی، جمعیت جهان نیز با شتابی بی‌مانند، به رقم هفت و نیم میلیارد تن در سال ۲۰۱۹ نزدیک شده است و شهرها در یک نظام شبکه‌ای، به عنوان کانون‌های بی-بدیل و در عین حال ناهمگون جمعیت، ثروت، قدرت و خلاقیت‌های شگفت‌آور بشری تبدیل شده‌اند (Graham, 2004:1). از این رو، شهرها به عنوان گره‌های اقتصاد جهانی و کانون‌های تحولات در سطوح محلی تا جهانی، همواره صحنه و هدف استراتژیکی مهمی برای قدرت سیاسی بوده‌اند. بررسی اثرات پدیده‌ها و فرآیندهای فضای شهری بر قدرت سیاسی در سطوح محلی تا جهانی حائز اهمیت خاصی است. با این وجود، شهرها، به عنوان یک پدیده جغرافیایی نقش زیادی در بازی قدرت میان سازمان‌ها و نهادهای مرتبط با اداره سرزمین ایفا می‌کنند. موقعیت، فرآیندهای و تحولات فضای جغرافیایی شهر در ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی منجر به اهمیت ژئوپلیتیک آن شده است به همین دلیل گردانندگان حکومت و دولت در سطح ملی و محلی ناگزیر از لحاظ کردن مؤلفه شهر و تحولات آن در اداره قلمرو خود هستند (عبد و مردعلی، ۱۳۹۲:۱۵).

برای اینکه بتوان منابع جغرافیایی قدرت را شناخت باید چند گام به عقب برداشت و متناسب با فلسفه علم جغرافیا مباحث را مطرح کرد تا از این طریق آن گونه که شایسته است، منابع جغرافیایی قدرت را شناخت. فلسفه و ماهیت شکل‌گیری جغرافیا بر دو بال (انسان + طبیعت) قرار دارد که برآیند حاصل از کنش و برهم کنش این دو بال، به صورت‌های مختلف، موضوع مطالعات جغرافیا را تشکیل می‌دهند^۲. این شناخت پایه‌ای، زمینه درک نسبتاً جامع از منابع جغرافیایی قدرت را فراهم می‌آورد. مبتنی بر این رویکرد منابع قدرت‌رانی در فضای شهرها را می‌توان در قالب چهار بخش به صورت ذیل دسته‌بندی کرد:

- منابع جغرافیایی قدرت با ماهیت طبیعی: این نوع منابع جغرافیایی قدرت، از کنش و برهم کنش طبیعت و انسان است و در آن، طبیعت پررنگ‌تر و با اهمیت‌تر از پایه دوم یعنی انسان‌ها عمل می‌کند.
- منابع جغرافیایی قدرت با ماهیت انسانی: این نوع منابع جغرافیایی قدرت، از کنش و برهم کنش طبیعت و انسان است و در آن انسان پررنگ‌تر و با اهمیت‌تر از پایه اول یعنی طبیعت عمل می‌کند.
- منابع جغرافیایی قدرت با ماهیت ترکیبی: این نوع منابع جغرافیایی قدرت، از کنش و برهم کنش طبیعت و انسان است و در آن هیچ یک از پایه‌ها پررنگ‌تر و با اهمیت‌تر از دیگری عمل نمی‌کند و یا اینکه برآیند حاصل در قالب هر دو پایه به صورت مشترک قابلیت شکل‌گیری دارا می‌باشد.

^۱. Optic-Fiber

^۲. به منظوره مطالعه بیشتر در خصوص ماهیت و موضوع علم جغرافیا و شاخه‌های معرفتی آن، به «مقاله نگرشی فلسفی بر تخصص‌گرایی یا تجمع علم جغرافیا»، فصلنامه مطالعات جغرافیای مناطق خشک (۱۳۹۷)، مراجعه شود.

- منابع جغرافیایی قدرت با ماهیت مصنوعی: این نوع منابع جغرافیایی قدرت، از کنش و برهم کنش طبیعت و انسان نیستند، بلکه با توجه به اهمیت یابی و زاویه دیدی که محقق دارد و اثرگذاری گسترده‌ای که بر فضاهاى جغرافیایی و مناسبات بین بازیگران دارا هستند، مطرح شده است (جان پرور و قربانی سپهر، ۱۳۹۶:۱۴۳).



شکل ۱. پیوندسازی منابع قدرت رانی در فضای شهری

(مأخذ: جان پرور و قربانی سپهر، ۱۳۹۶:۱۴۴)

اما «جان فارستر»^۱ نیز بر تقابل و برهم‌کنش برنامه‌ریزی و قدرت تأکید می‌ورزد. او تحت تأثیر نظریه ارتباطی «یورگن هابرماس»^۲ به این نتیجه رسیده است که برنامه‌ریزی بیش از هر چیزی، یک فعالیت ارتباطی و تعاملی است. فعالیتی که دائماً با روابط قدرت و نابرابری‌های سیستم‌بندی ناشی از آن درگیر است. برنامه‌ریزان، مجبورند، چهره به چهره قدرت به صورت آشکار و هویدا کار کنند. همان قدرتی که، در پی مدیریت (یا سوء مدیریت) بر دانش، عقیده، اعتماد و علائق شهروندان است. پس عقلانی بودن برنامه‌ریزان در گرو سیاسی بودن آنان است و هدف برنامه‌ریزان، قدرتمند کردن کسانی است که به صورت برنامه‌ریزی شده و به دلیل نابرابری‌های ساختاری طبقاتی، نژادی یا جنسیتی ناتوان مانده‌اند. در این پارادایم رادیکال، برنامه‌ریز، نه یک متخصص فنی است و نه یک میانجی و مذاکره کننده، بلکه یک توانمندساز اجتماع محلی خود تقویت کننده است (Friedman, 1986:67-79). تحقق هدف مذکور در گرو افزایش دسترسی گروه‌های هدف، به منابع قدرت است که در بالا چهار دسته‌بندی از آن را ارائه دادیم و در ادامه، به‌طور جزئی‌تر آن منابع را نام می‌بریم. «کیت دودینگ» با الهام از «هارسانی»^۳، منابع قدرت را به پنج مجموعه زیر تقسیم می‌کند (دودینگ، ۱۳۸۰: ۹۳-۸۷):

۱. دانش یا اطلاعات

¹. Jay Forrester

². Jurgen Habermas

³. Harsani

۲. اقتدار مشروع، اقتدار به موجب قانون

۳. انگیزه های مشروط برای تأثیرگذاری بر منافع دیگران (اعمال قدرت نامشروع برای رسیدن به هدف)،

۴. انگیزه های مشروط برای تأثیرگذاری بر منافع دیگران (قدرت رانی از طریق تهدید)

۵. شهرت.

به نظر او، به رغم محدودیت ها، بهترین نقطه بررسی قدرت گروه ها در جامعه، بررسی منابع قدرت آنها است. به این منظور لازم است اولویت ها و به عبارتی منافع افراد و گروه ها درک شود. کسب و دریافت قدرت و تسلط لازم برای به کارگیری آنها توسط کنشگران، نیازمند وجود عوامل، شرایط و زمینه های لازم است. شرایط و زمینه هایی که به صورت مساوی در اختیار همه کنشگران نیست و از همین جا بستر نابرابری و توزیع ناعادلانه قدرت فراهم می شود. «بشیریه» عوامل مؤثر بر توانایی نیروها و گروه های اجتماعی به ویژه در کسب قدرت سیاسی را به این ترتیب طبقه بندی کرده است.

- ساخت و سازمان درون گروهی

- میزان توانایی مالی و به کارگیری آن از طریق مستقیم (کمک مالی) و یا غیرمستقیم (انتشارات، تبلیغات و...)

- شمار اعضا و انضباط درونی گروه، گروه های پر تعدادتر، منضبط تر و سازمان یافته تر

- شمار و نوع متحدین گروه، امکان پنهان شدن و اعمال نفوذ از طریق متحدان

- ترکیب عمودی یا افقی با سازمان های اجتماعی دیگر

- وجود یا نبود گروه رقیب سازمان یافته

۱. رابطه با احزاب و سازمان های سیاسی موجود در شهر، اعمال نفوذ گروه های ذینفع از طریق حمایت یا عدم حمایت از احزاب و سازمان ها

۲. وضعیت حقوقی، مجاز یا غیرمجاز بودن فعالیت گروه و نیز حدود اختیارات قانونی آن

۳. میزان نفوذپذیری حکومت (موضوع نفوذ)، نفوذ از طریق فشار و نفوذ غیرمستقیم از طریق تحمیل خواسته ها به عنوان خواسته های مردم، نفوذ از طریق نهادها و مقامات پیرامونی، اما نزدیک به مقام اصلی (بشیریه، ۱۳۷۸: ۱۲۱-۱۱۵).

«جان فریدمن»^۱ نیز با توجه بیشتر به قدرت اجتماعی، بنیان های قدرت را به هشت دسته زیر تقسیم کرده است. بنیان هایی که ممکن است به صورت منفرد یا جمعی مورد توجه و علاقه بیشتر یا کمتر هر یک از انواع قدرت قرار گیرند، این بنیان ها عبارتند از:

۱. فضای زندگی قابل دفاع، به عنوان پایه قلمرویی اقتصاد خانوار، مشتمل بر خانه و فضای محله ای. این عامل

را می توان مشابه تعبیر قلمروخواهی در متون جغرافیای سیاسی دانست (مویر، ۱۳۹۲: ۳۰-۱۱)؛

۲. زمان مازاد،

۳. دانش و مهارت

^۱. John Friedman

۴. اطلاعات متناسب
۵. سازمان اجتماعی، اعم از رسمی و غیر رسمی
۶. شبکه‌های اجتماعی، شامل شبکه‌های افقی گسترده یا شبکه‌های عمودی در سلسبه مراتب اجتماعی به عنوان عاملی اساسی در فعالیت‌های مبتنی بر معامله به مثل
۷. ابزار کار و تولید
۸. منابع مالی.

از این‌رو، دسترسی افراد، نهادها، سازمان‌ها و گروه‌های اجتماعی به منابع مذکور در سطوح مختلف قرار می‌گیرد و این مبنایی است برای تعیین جایگاه آنان در ساختار قدرت شهری. به همین دلیل است که فقرا با اتکا بر اقدامات فردی- خانوادگی و یا اقدامات جمعی تلاش می‌کنند تا موقعیت خود در دسترسی به یکی یا مجموعه‌ای از بنیان‌های مذکور را ارتقاء دهند تا از این طریق محرومیت‌های خود در ساختار قدرت شهری فائق آیند (بشیریه، ۱۳۷۸: ۱۱۱). اما طرز رفتار و شیوه عمل کنشگران مختلف برای کسب قدرت، قدرت‌رانی و تأثیرپذیری از قدرت، با یکدیگر و در جوامع مختلف، متفاوت است. این تفاوت به‌طور کلی بستگی به علل و عوامل مختلفی از جمله فرهنگ جامعه، میزان سازمان یافتگی نیروها، شیوه قدرت‌رانی سیاسی، ویژگی و ماهیت نیروها، شیوه توزیع قدرت و منابع آن و عملکرد دیگر نیروهای اجتماعی دارد (Pacione, 2002: 366). از این‌رو، فرهنگ جامعه در نحوه عملکرد نیروهای اجتماعی مؤثر است، به ویژه فرهنگ سیاسی بر اهداف عمل سیاسی و تعیین نوع وسایل متناسب برای تعقیب آن تأثیر می‌گذارد.

بنابراین، نحوه عمل نیروها و گروه‌ها در «ساخت قدرت بسته یکجانبه» و «ساخت قدرت باز و دوجانبه» تفاوت‌های اساسی دارد. در نظام‌های سیاسی بسته که قدرت سیاسی به صورت یکجانبه و از بالا اعمال می‌شود، نقش نیروهای اجتماعی در شرایط ثبات سیاسی پنهان‌تر است و باید در این موارد به بررسی دسته‌بندی و نفوذ آنان در درون دستگاه دیوان سالار پرداخت. در این نظام‌ها، نقش نیروهای اجتماعی معمولاً در شرایط بحران و گذار آشکارتر می‌شود. همچنین وسایل اعمال قدرت گروه‌های مختلف بر حسب عوامل مختلف از جمله ماهیت و هدف گروه، میزان آگاهی آن، نحوه سازماندهی، همبستگی و وحدت آن، منابع و امکانات، نزدیکی و دوری به مرکز قدرت سیاسی، رابطه با احزاب سیاسی، میزان وسعت پایگاه اجتماعی، ماهیت نظام سیاسی، نحوه مشارکت مجاز در حیات سیاسی و غیره تفاوت می‌کند (بشیریه، ۱۳۷۸: ۱۱۳-۱۱۱). در واقع، کنش و رفتار افراد و گروه‌ها با اتکا بر منابع قدرتشان و بر اساس منطق موقعیت آنهاست. رفتاری که ضمن رعایت منافع و خواسته‌ها، الزاماً در چهارچوب ساختارهای حاکم نیز قرار می‌گیرد (همان، ۳۰).

از سوی دیگر، با تحلیل مطالب فوق و تطبیق آنها با ساختار و رویدادهای داخلی ایران می‌توان منابع قدرت در فضای شهر را به صورت زیر طبقه‌بندی کرد:

- (۱) دانش و مهارت؛ (۲) اطلاعات مناسب؛ (۳) منابع مالی؛ (۴) ابزارهای کار و تولید؛ (۵) شبکه اجتماعی و رسانه؛ (۶) اقتدار مشروع؛ (۷) شهرت؛ (۸) ثروت.

با این تفاسیر، دسترسی کنشگران شهری به منابع، یکی از ابزارهای مناسب برای اعمال نفوذ و قدرت‌رانی در فضای شهر است. بر این اساس، هر کدام از کنشگران شهری که بتوانند به منابع قدرت بیشتری که در شهر است دست یابند

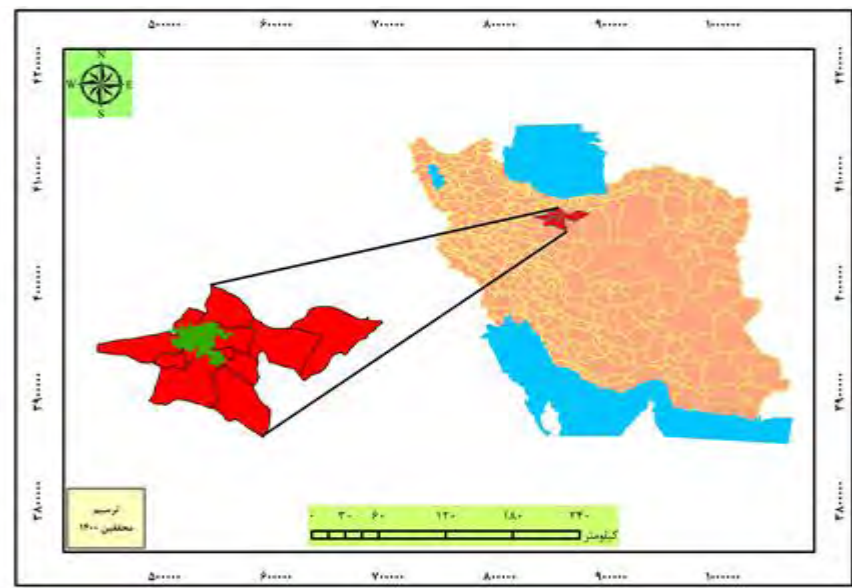
عملاً قدرت نفوذ و تأثیرگذاریشان در فضای شهر بیشتر از مابقی کنشگران خواهد بود و مناسبات قدرت در فضای شهر را به نفع خود سوق خواهند داد. بدین ترتیب، از ویژگی های ذاتی و عملکردی قدرت شهری، می توان موارد زیر را استنتاج کرد:

۱. بررسی قدرت برای درک اینکه چه کسی به منابع یک شهر دسترسی دارد، ضرورتی قطعی است،
۲. قدرت از راه های مختلف شکل می گیرد، از جمله توانایی تعریف یک مسئله، تعیین مفاهیم و اصطلاحات یک دستورالعمل، نفوذ بر دیگران، برآورده ساختن نیاز دیگری و تعیین نحوه توزیع منابع،
۳. روابط قدرت فضایی، کنار هم قرار گرفتن گسترده گروه های مختلف مردمی در یک شهر متشکل از گروه های متمایل به قدرت رانی در زمان ها و مکان های مختلف، از جمله عوامل این روند هستند،
۴. قدرت به دست افراد، گروه ها و یا نهادها اعمال می شود،
۵. قدرت می تواند جنبه فرهنگی هم داشته باشد،
۶. قدرت می تواند اغفال کننده و پنهان باشد.

در نهایت می توان گفت که مناسبات قدرت در فضای شهرها پویا بوده و اکثر فضاهای شهری دائماً از کنش این مناسبات تأثیر می پذیرند و تغییر می یابند. از این رو، پیوندی میان منابع جغرافیایی قدرت وجود دارد. به عبارتی فضاهای شهری در فضاهای زیستی گوناگون، منابع جغرافیایی قدرت مختلفی دارند که با آن به بازیگری و مناسبات با سایر شهرها در سطوح (محلی، ملی، منطقه ای و جهانی) می پردازند.

محیط شناسی پژوهش

کلانشهر تهران با ارتفاع متفاوت از شمال به جنوب (۸۰۰ متر اختلاف ارتفاع) در دامنه های جنوبی البرز مرکزی گسترده شده است. این کلانشهر کانون تصمیم گیری کشور و مرکز تجمع بیشترین امکانات در زمینه اقتصادی، صنعتی، خدماتی، آموزشی، تحقیقاتی، اداری و سیاسی در کشور محسوب می شود. به دلیل این تمرکز بسیار پیچیده و عظیم در درون بزرگترین کلانشهر کشور، حوزه نفوذ و جایگاه تهران تا حدی گسترش یافته که هر گونه اتخاذ تصمیم و عملکردی را تحت تأثیر خود قرار داده است. ویژگی چند نقشی بودن تهران نیز بر اهمیت آن می افزاید. نقش های سیاسی، اداری، فرهنگی، خدماتی، صنعتی و اقتصادی همه بر اهمیت این شهر افزوده و باعث تأثیرگذاری بیشتر این شهر بر نقاط دیگر گردیده است. با توجه به پیوستگی امنیت تهران به عنوان پایتخت جمهوری اسلامی ایران با امنیت ملی و پایداری نظام، برنامه ریزی برای تأمین امنیت و پیشگیری از عدم پایداری و بحران، امری اساسی و حیاتی برای کشور به نظر می رسد. به عبارت دیگر، امروزه کلانشهر تهران با در بر گرفتن یک چهارم جمعیت شهرنشین کشور، مهمترین قطب جمعیتی کشور است. تهران با توجه به نظام متمرکز سیاسی- اداری، مقر کلیه نهادهای تصمیم گیرنده و مدیران عالی رتبه بوده و نقش اصلی را در مدیریت سیاسی، اجتماعی اقتصادی و فرهنگی کشور ایفاء می کند. لذا بروز ناپایداری های امنیتی در تهران می تواند امنیت ملی را در عرصه های گوناگون به مخاطره اندازد (متقی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۰۵).



شکل ۲: موقعیت سیاسی کلانشهر تهران

(مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۰)

یافته‌های پژوهش

- اولین منبع قدرت با ماهیت انسانی در کلانشهر تهران: «کمیت جمعیت»

بر اساس گزارشات و پیش‌بینی‌های سازمان ملل و بانک جهانی، تا سال ۲۰۳۰ بیش از ۸۰ درصد جمعیت جهانی در شهرها زندگی خواهند کرد (Myers & Wyatt, 2004: 285). با همه پیشرفت‌هایی که در تمامی شهرها پدید آمده است، کمیت جمعیت به عنوان یک عامل تعیین کننده قدرت شهری می‌باشد. از این رو جمعیت زیاد در یک شهر پیش شرط قدرت شهر محسوب می‌گردد ولی عامل تعیین کننده و قطعی نیست. اما به طور حتم می‌توان گفت که در شهرهای توسعه یافته کمیت جمعیت عامل اصلی توسعه می‌باشد، زیرا در این شهرها تمامی جمعیت ساکن دارای تخصص‌های گوناگونی هستند که شهر را محل زیست خود می‌دانند و در آبادانی و توسعه آن تلاش می‌کنند. در حال حاضر با توجه به این که پیشرفت‌های تکنولوژیک توانسته است عامل جمعیت را در برخی از شهرهای توسعه یافته کمرنگ نماید ولی باز هم عامل کمیت جمعیت، منبع جغرافیایی مهمی در شهرها می‌باشد که می‌تواند در رقابت شهرها با یکدیگر، مسائل مشارکت سیاسی و... موثر باشد (جان پرور و قربانی سپهر، ۱۳۹۶: ۱۵۶-۱۵۵).

امروزه کلانشهر تهران با در بر گرفتن یک چهارم جمعیت شهرنشین کشور، مهمترین قطب جمعیتی کشور است (متقی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۰۵). شهر تهران معادل ۸۲۲ شهر کوچک کشور جمعیت دارد. همچنین بر اساس نتایج سرشماری ۱۳۹۵ حدود یک پنجم جمعیت شهری کشور در کلانشهر تهران زندگی می‌کنند (صادقی و زنجری، ۱۳۹۶: ۱۵۱). طبق سرشماری عمومی و نفوس مسکن سال ۱۳۹۵ جمعیت کلانشهر تهران در مناطق ۲۲ گانه ۱۳,۲۶۷,۶۳۷ می‌باشد. در بین مناطق ۲۲ گانه منطقه چهار با ۸۶۱۲۸۰ نفر و منطقه ۲۲ با ۱۲۹ هزار نفر به ترتیب پرجمعیت و کم جمعیت‌ترین مناطق شهر تهران هستند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۹). این شهر یکی از بزرگ‌ترین شهرهای غرب آسیا و بیست و هفتمین شهر بزرگ دنیا است. تراکم جمعیت در تهران بین ده هزار و هفتصد تا بیش از یازده هزار تن در هر کیلومتر مربع برآورد می‌شود که بنابر آمار نخست بیستمین شهر پرتراکم جهان است (انصاری و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۰-۹).

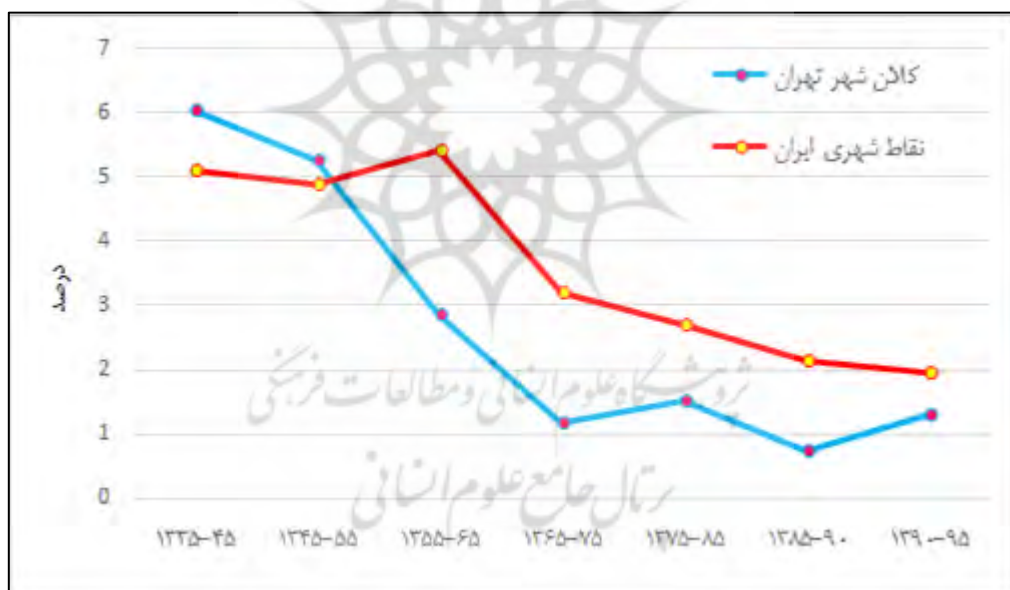
جدول ۱. تحولات جمعیتی منطقه کلانشهری تهران و کلانشهر تهران به همراه سهم تهران از جمعیت منطقه

کلانشهری

ردیف	سال	جمعیت کلانشهر تهران	جمعیت منطقه کلانشهری	درصد سهم تهران از جمعیت منطقه کلانشهری
۱	۱۳۴۵	۲۷۱۹۷۳۰	۳۴۵۶۳۱۴	۷۸
۲	۱۳۵۵	۴۵۳۰۲۲۳	۵۳۰۵۰۳۷	۸۵
۳	۱۳۶۵	۶۰۴۲۵۸۴	۸۰۶۸۲۵۰	۷۴
۴	۱۳۷۵	۶۷۵۸۸۴۵	۱۰۳۰۹۷۴۶	۶۵
۵	۱۳۸۵	۷۷۹۷۵۲۰	۱۳۳۸۳۰۸۲	۵۸
۶	۱۳۹۰	۸۰۹۳۳۰۵	۱۴۵۵۷۱۹۲	۶/۵۵
۷	۱۳۹۵	۸۶۹۳۷۰۶	۱۵۹۴۶۴۷۹	۵/۵۴

منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵

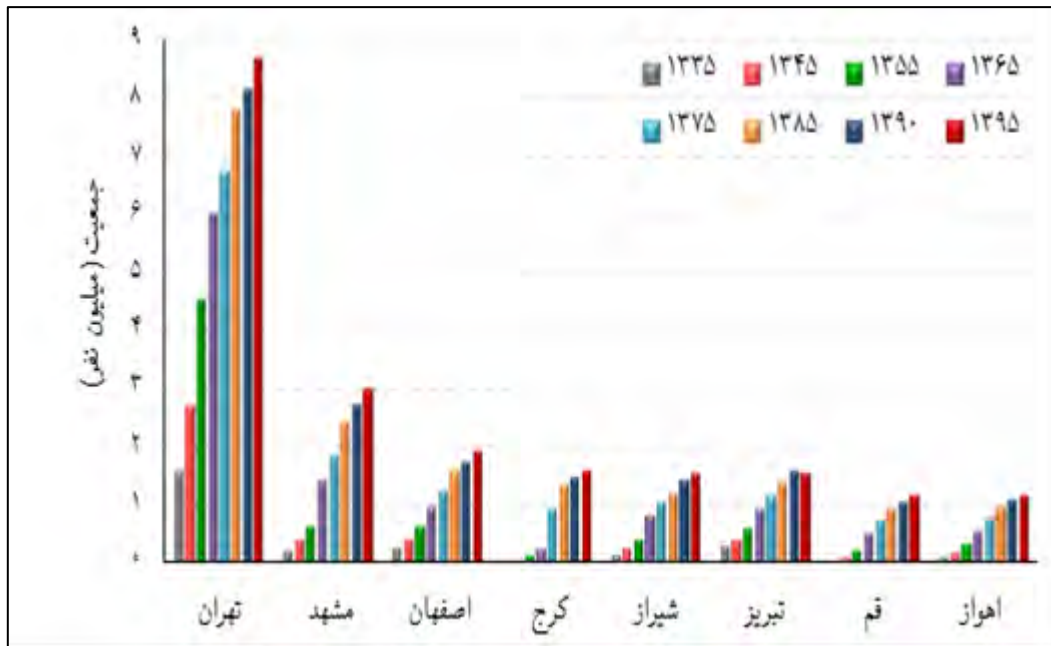
بنابراین، در سال ۱۳۹۵ سهم جمعیتی منطقه کلانشهری تهران از جمعیت کل کشور، از ۳۰/۵ درصد به ۱۹/۹۵ درصد رسید که نشانه کاهش جمعیتی منطقه کلانشهری از جمعیت کل کشور است، اما این امر به مفهوم کاهش تمرکز در منطقه کلانشهری تهران نیست، بلکه بیشتر به دلیل افزایش جمعیت کل کشور و سایر نقاط سکونتی کشور است و پدیده تمرکز جمعیت در منطقه کلانشهری تهران هنوز ادامه دارد.



شکل ۳. سهم جمعیتی کلانشهری تهران و نقاط شهری ایران

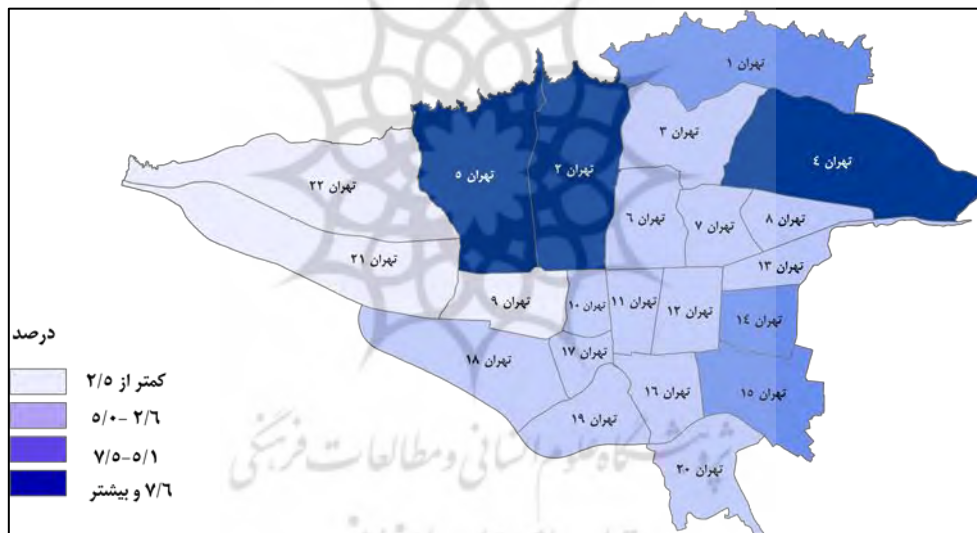
(مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵)

در سال ۱۳۳۵ حدود ۹۵ درصد جمعیت شهری استان تهران در شهر تهران ساکن بودند. در حالی که در سال ۱۳۹۵ کلان شهر تهران حدود ۷۰ درصد جمعیت شهری استان را درون خود جای داده است. بدیهی است به وجود آمدن شهرهای اقماری و خوابگاهی در اطراف کلان شهر تهران باعث جابجایی جمعیت در بین شهرهای اطراف کلان شهر تهران شده است.



شکل ۴. سهم جمعیتی شهر تهران در مقایسه با سایر کلانشهرهای ایران

(مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵)



شکل ۵. سهم جمعیت شهر تهران بر اساس مناطق شهرداری در سال ۱۳۹۵

(مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵)

جمعیت انبوه کلانشهر تهران یک فرصت ایده‌آل برای جذب سرمایه‌گذاری در این کلانشهر می‌باشد که همین امر زمینه‌ای شده است که شهر تهران نسبت به سایر شهرهای ایران از توسعه بیشتری برخوردار باشد زیرا جمعیت زیاد، گردش سرمایه در این کلانشهر را افزایش داده است و از سوی دیگر وجود دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی در این کلانشهر زمینه‌ای فراهم آورده است که جوانان این کلانشهر از تخصص لازم برخوردار شوند و همچنین جوانان از سایر شهرهای ایران برای دسترسی به خدمات بیشتر به این کلانشهر مهاجرت می‌کنند که همین زمینه رشد جمعیت متخصص در این کلانشهر شده است که اگر مدیریت شهری بتواند از این سرمایه‌های انسانی فراوان متخصص در جهت مدیریت کارآمد استفاده نماید می‌توان زمینه توسعه این شهر را بیش از پیش فراهم آورد. بدین ترتیب جمعیت زیاد کلانشهر تهران در مقایسه با سایر شهرها به عنوان یک مزیت رقابتی محسوب می‌شود که به عنوان یک منبع

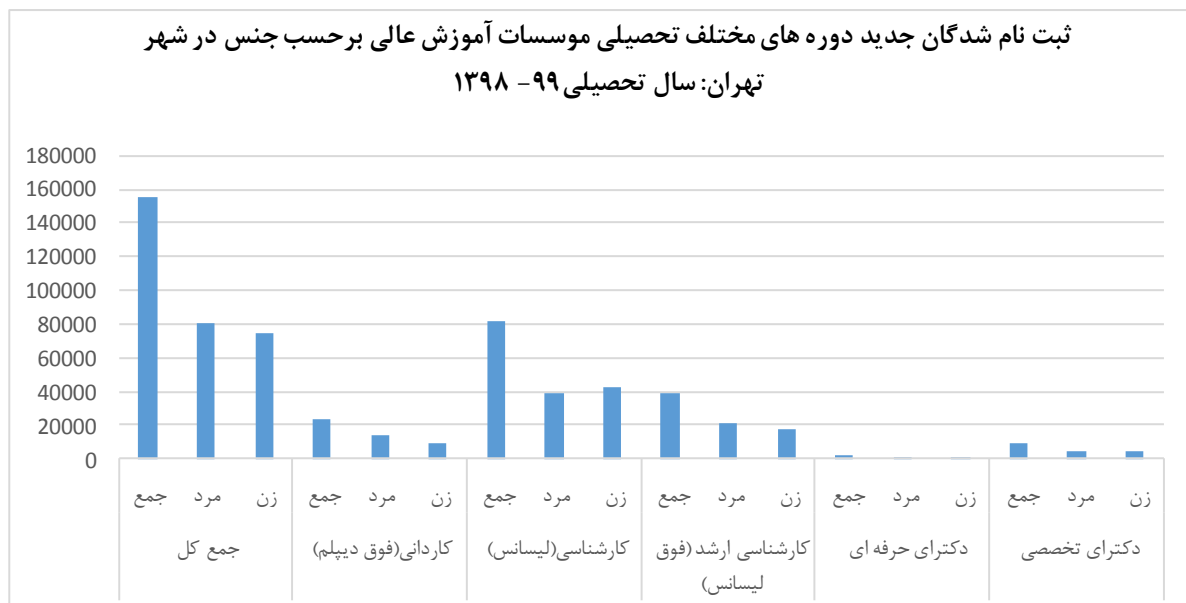
جغرافیایی قدرت می تواند جایگاه ژئوپلیتیکی کلانشهر تهران را به عنوان یک کلانشهر تثبیت نماید و این جمعیت اگر به درستی مورد استفاده قرار گیرد و دقیق آموزش شهروندی ببینند، موتور محرکه توسعه کلانشهر تهران می باشند که نیاز است به کمیت جمعیت در کلانشهر تهران توجه ویژه ای داشت و برای آن در آینده برنامه ریزی ویژه ای نمود.

- دومین منبع قدرت با ماهیت انسانی در کلانشهر تهران؛ «کیفیت جمعیت»

کیفیت جمعیت یکی از منابع جغرافیایی قدرت به شمار می رود که در اهمیت و جایگاه یافتن شهرها نقش بسیار مؤثری دارد. کیفیت جمعیت به خودی خود در درون خود «استعدادهای علمی و نیروی انسانی با سواد» را داراست. اما در عصر حاضر شهرها تبدیل به مکان هایی شده اند که بیشترین جمعیت را در درون خود جای داده است. از این رو، برای پیشرفت و توسعه شهر و تبدیل جایگاه شهر از سطوح پایین و رسیدن به سطوح بالاتر یعنی شهرهای جهانی «کیفیت جمعیت» عامل مهمی می باشد. زیرا این شهروندان هستند که محیط را می سازند و در آن زندگی می کنند. هر چقدر که در یک شهر، شهروندان از فرهنگ و آموزش بالاتری برخوردار باشند عموماً کیفیت جمعیت به عامل مهمی در قدرت شهری تبدیل می شود. زیرا در این شهرها شهروندان به حد مورد نیاز توانمند شده اند و در رشد و پیشرفت شهر و سایر بازیگری ها تاثیرگذار هستند. از این رو، در عصر حاضر جهانی شدن علاوه بر تقویت شدید رشد اقتصادی و ایجاد فرصت هایی برای فرایندهای توسعه منطقه ای و شهری، زمینه برای ظهور جامعه شهری پویا و فعال که طالب مجموعه ای متنوع از حقوق انسانی، اجتماعی و سیاسی است مهیا نموده است (جان پرور و قربانی سپهر، ۱۳۹۶: ۱۵۶).

از نظر سطح سواد و میزان برخورداری جمعیت از سطوح متفاوت آن، می توان از منظر دیگر تفاوت های موجود میان بخش های مختلف شهر تهران را مشخص ساخت. طی سال ۱۳۸۵، پراکنندگی جغرافیایی جمعیت با تحصیلات ابتدایی و راهنمایی نشان می دهد که جمعیت پایتخت دارای تحصیلات بالاتر از دوره راهنمایی است. در حالیکه مناطقی از نیمه جنوبی شهر بالاترین درصد جمعیت در سطوح تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در خود جای داده اند (مناطق ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸ و ۱۹)، مناطق ۱۰ و ۲۱ واجد بیشترین درصد جمعیت دارای سطح تحصیلات متوسطه می باشند. الگوی توزیع فضایی جمعیت با سطح تحصیلات دانشگاهی تا اندازه ای متفاوت از موارد پیش گفته است. مناطق ۱، ۲، ۳ و ۶ با در اختیار داشتن بالاترین نسبت جمعیت با سطح تحصیلات عالی، به گونه ای بارز از سایر مناطق شهر فاصله گرفته اند. مناطقی از جنوب شهر کمترین نسبت این جمعیت را دارا هستند (اطلس کلانشهر تهران، ۱۳۹۰).

ثبت نام شدگان جدید دوره های مختلف تحصیلی موسسات آموزش عالی برحسب جنس در شهر تهران: سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸



شکل ۶. ثبت نام شدگان جدید دوره‌های مختلف تحصیلی مؤسسات آموزش عالی بر حسب جنس در شهر

تهران: سال تحصیلی ۱۳۹۸-۱۳۹۹

(مأخذ: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان تهران، ۱۴۰۰)

بر اساس اطلاعات سال ۱۳۹۸-۱۳۹۹، نشان از آن دارد که ورودی‌های مؤسسات عالی در شهر تهران افزایش یافته که این نشان از افزایش کیفیت جمعیت در این کلانشهر دارد که بیشتر این جمعیت در مقطع لیسانس در رشته‌های مختلف در حال تحصیل می‌باشند. یافته‌ها نشان از آن دارد نسبت میانگین دانش‌آموزان و دانشجویان به جمعیت ۶ تا ۲۴ ساله در حال تحصیل، به بیش از ۷۵ درصد می‌رسیده و حتی در ناحیه یوسف آباد در منطقه ۶ به ۱۰۵ درصد بالغ می‌شده است. این وضعیت نشانگر ادامه تحصیل تا سنین بالاتر از ۲۴ سال بوده است. از سوی دیگر، نحوه توزیع فضایی دانش‌آموزان بر حسب دو معیار محل تحصیل و محل سکونت طی سال ۱۳۸۸، نشان می‌دهد که مناطقی از نیمه شمالی (منطقه ۲ و ۵)، بخش شرقی (مناطق ۴ و ۸) و نیمه جنوبی شهر (مناطق ۱۴، ۱۵، ۱۸، ۱۹ و ۲۰) بیشترین نسبت دانش‌آموزان را در خود جای داده‌اند. این الگوی توزیع فضایی با اندکی تغییر در مورد تحصیل دانش‌آموزان بر اساس معیار محل تحصیل صدق می‌کند. بنابراین، نوعی همگرایی فضایی میان دو عنصر محل سکونت و محل تحصیل دانش‌آموزان در سطح مناطق شهر تهران قابل مشاهده است. همین وضعیت در مورد الگوی توزیع فضایی دانشجویان در سطح مناطق شهر تهران دیده می‌شود با این تفاوت که سهم مناطق واقع در نیمه شمالی شهر بسیار بیشتر از سایر بخش‌های شهر تهران است. به عبارت دیگر به مانند سال ۱۳۷۵، در حال حاضر نیز نسبت جمعیت دانشگاه رفته در سطح شهر تهران، به خصوص در شمال و مرکز شهر بالا است و پراکنش آن به صورت حوزه‌های هم مرکز می‌باشد (اطلس کلانشهر تهران، ۱۳۹۵).

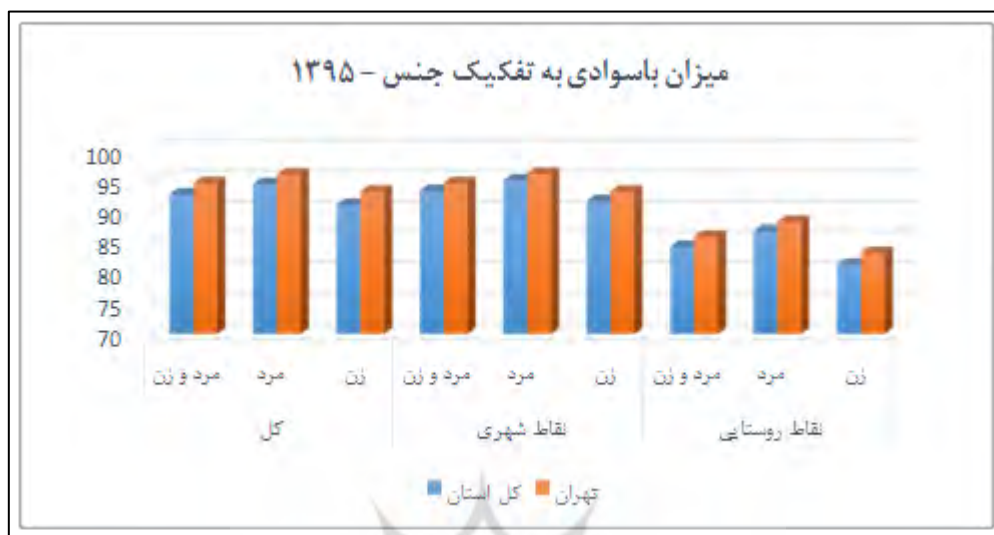


شکل ۷. دانشجویان دوره‌های مختلف تحصیلی مؤسسات آموزش عالی بر حسب شهرستان و جنس: سال

تهران: سال تحصیلی ۱۳۹۸-۱۳۹۹

(مأخذ: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان تهران، ۱۴۰۰)

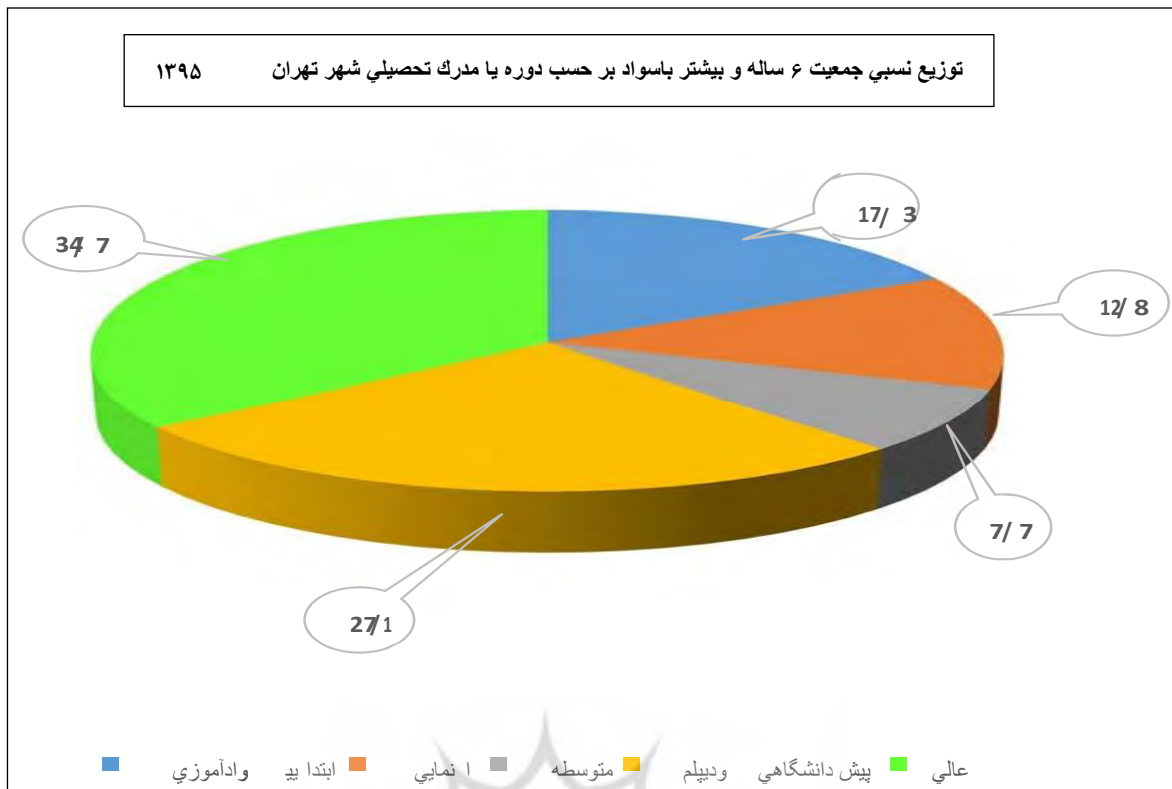
نمودار بالا نشان از آن دارد کلانشهر تهران در تراز استانی دارای جمعیت با کیفیت در مقاطع مختلف تحصیلی است که همین زمینه رشد و توسعه شهر تهران به نسبت سایر شهرها شده است و گسترش شرکت‌های دانش بنیان و استارت‌آپ‌ها در این کلانشهر نشان از آن دارد کیفیت جمعیت اثرگذاری بسیار بالایی در آینده شهر تهران خواهد داشت.



شکل ۸. درصد میزان باسوادی به تفکیک جنس در تهران نسبت به کل استان

(مأخذ: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان تهران، ۱۴۰۰)

به هر روی، از کل جمعیت تهران (۶ ساله و بیشتر) ۷ میلیون و ۶۶۰ هزار نفر معادل ۹۵ درصد سواد دارند و ۵ درصد معادل ۴۱۵ هزار نفر بی‌سواد هستند. در بین همه مناطق شهر تهران بیشترین جمعیت بی‌سوادها در منطقه ۱۷ و ۱۹ به ترتیب با ۱۰.۴ و ۱۰.۲ درصد (از کل جمعیت بی‌سوادهای استان تهران) متمرکز شده‌اند. مناطق ۳ و ۶ هم دارای بیشترین افراد باسواد است و جمعیت کل بی‌سوادهای این ۲ منطقه بین ۱.۸ تا ۱.۹ درصد از کل جمعیت بی‌سوادهای استان تهران است (آمارنامه شهر تهران، ۱۳۹۸: ۴۱). هم‌اکنون ۲ میلیون و ۸۸۴ هزار نفر از جمعیت کل تهران در زمره افراد فعال اقتصادی محسوب می‌شوند که از این تعداد ۲ میلیون و ۵۵۲ هزار نفر شاغلند؛ یعنی جمعیت بیکاران تهران به ۳۳۱ هزار و ۵۰۰ نفر رسیده است. در بین همه مناطق تهران مناطق ۱۰، ۱۱، ۱۲ و ۷ دارای بیشترین نسبت جمعیت شاغل و مناطق ۱۳، ۲، ۲۱ و ۲۲ دارای کمترین نسبت جمعیت شاغل است. طبق این آمار ۲۸.۴ درصد از تهرانی‌ها، یعنی ۲ میلیون و ۱۷۵ هزار نفر را، افراد خانه‌دار تشکیل می‌دهند (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان تهران، ۱۳۹۸: ۲۵۵).



شکل ۹. توزیع نسبی جمعیت ۶ ساله و بیشتر باسواد بر حسب دوره یا مدرک تحصیلی شهر تهران در سال

۱۳۹۵

(مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۹: ۷۳)

بنابراین، کیفیت جمعیت بالا در این کلانشهر به عنوان یکی از مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی محسوب می‌شود که اگر مدیریت شهری و دولت مرکزی برنامه مدونی برای این جمعیت داشته باشد در گام نخست زمینه رشد و توسعه شهر تهران را فراهم آورده و در گام بعد این کیفیت نیروی انسانی متخصص می‌تواند به سایر شهرها منتقل شده و زمینه توسعه کشور را فراهم آورد.

- سومین منبع قدرت با ماهیت انسانی در کلانشهر تهران؛ «ساختار جمعیت»

ساختار جمعیت ارتباط مستقیمی با قدرت شهری دارد. هر چقدر که یک شهر دارای نیروی جوان و فعال در رده سنی ۱۸ الی ۴۵ سال باشد آن شهر در سطوح سلسله مراتب شهری از قدرت بالاتری برخوردار است. از این رو امروزه ما در عصری از زمان حضور داریم که اکثر جمعیت آن شهرنشین است و برای یک شهر در رقابت با سایر شهرها بسیار مهم است که از نیروی کار جوان برخوردار باشد. شهرهای دنیا به ویژه در اروپا به دلیل کم بود زاد و ولد و کنترل جمعیت با کمبود جمعیت فعال و جوان روبه رو می‌باشند و دارای ساختار جمعیت کهنسال هستند که آینده این شهرها را به شدت به خطر انداخته است. زیرا شهرها جهت تامین نیروی انسانی خود در بخش صنعت، خدمات و کشاورزی نیاز به نیروی فعال و جوان دارند که نبود آن آینده شهر را با چالش و بحران مواجه می‌کند و اما جهت مقابله با آن اقدام به مهاجرپذیری می‌نماید. اما به‌طور کلی در شهرهای امروزه ساختار جمعیت به عنوان یک عامل مهم قدرت شهری مطرح می‌باشد که مدیران شهری برای مواجه نشدن با بحران‌های آن سیاست و تدابیرهایی اندیشیده‌اند. اما در شهرهای توسعه یافته دیگر این عامل به عنوان یک عامل تهدید آمیز تلقی نمی‌شود

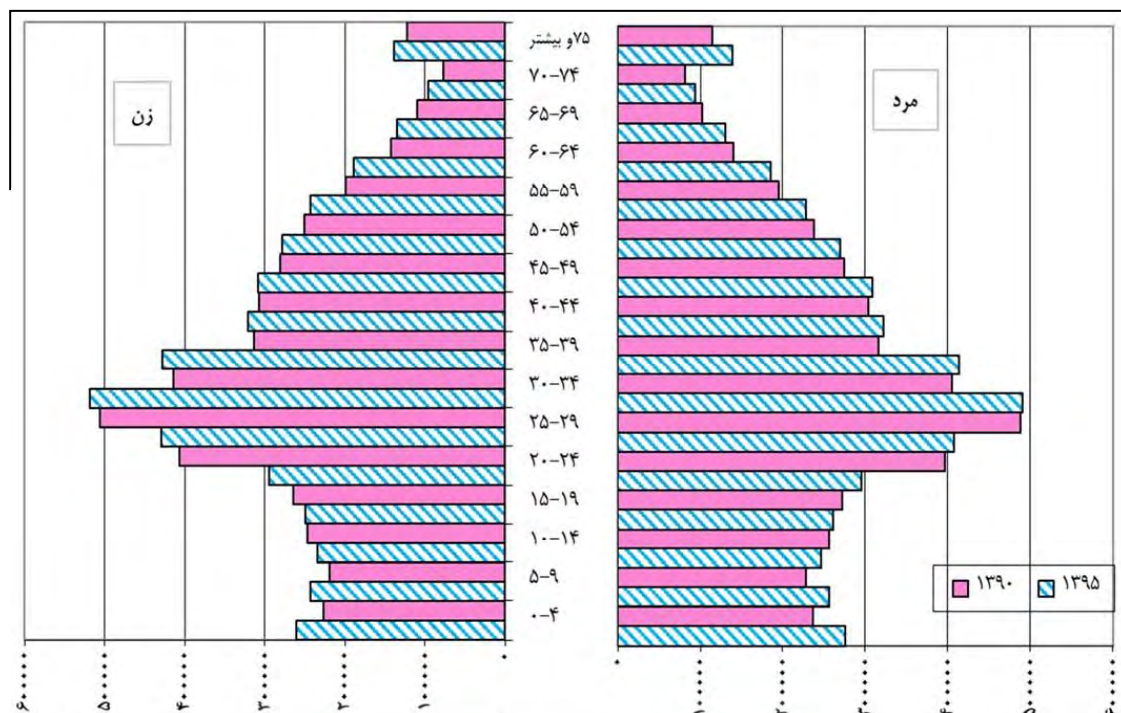
زیرا با برنامه و سیاست‌هایی که داشته‌اند به پیش‌بینی ساختار جمعیت شهر خود تا سال ۲۰۵۰ پرداخته‌اند. اما شهرهای در حال توسعه بدون سیاست به روند روبه رشد شهرنشینی خود ادامه می‌دهد و ساختار جمعیت در این شهرها به بدترین شکل هرمی دیده می‌شود و نبود تخصص و مدیریت بهینه شهر را می‌رساند. در نهایت می‌توان گفت که ساختار جمعیت به عنوان یک منبع جغرافیایی قدرت در عصر حاضر شهرها به ویژه میان مادرشهرها و جهان شهرها مطرح می‌باشد و به عنوان عامل مهمی در رقابت بین شهرها تبدیل شده است (جان پرور و قربانی سپهر، ۱۳۹۷: ۲۹۷).

بنابراین، هر گاه جامعه‌ای ۷۰ درصد جمعیت در بازه سنی ۱۵ تا ۶۴ سال (سنین فعالیت و کار) باشند، اصطلاحاً آن جامعه در فرصت پنجره جمعیتی قرار دارد. به عبارت دیگر پنجره جمعیت فرصت طلایی برای اصلاح ساختارهای جمعیتی و همچنین رشد و پیشرفت علمی و اقتصادی است که اگر مغتنم شمرده نشود، نه تنها خود تهدید خواهد بود، بلکه بعد از عبور از پنجره جمعیت امکان مدیریت و ترمیم ساختارهای جمعیتی و تحقق رشد و توسعه بسیار قریب و ناممکن می‌گردد که در این بین استان و شهر تهران هم اکنون در فرصت پنجره جمعیت قرار گرفته است و در چندین سال آینده با بسته شدن پنجره جمعیت رو به رو خواهد گشت (سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان تهران، ۱۳۹۸: ۲۵۳). به هر روی در ساختار جمعیتی کلانشهر تهران، ۱۷.۴ درصد جمعیت تهران را کودکان و نوجوانان تا ۱۴ سال تشکیل می‌دهند و بخش عمده جمعیت تهران یعنی ۷۴.۱ درصد آنان در سنین ۱۵ تا ۶۴ سال هستند. همچنین ۸.۴ درصد ساکنان تهران در سنین ۶۵ سال به بالا هستند. منطقه ۱۹ با ۲۳.۵ درصد جمعیت صفر تا ۱۴ سال جوان‌ترین و منطقه ۳ با ۱۵ درصد جمعیت ۶۵ ساله و بیشتر، مسن‌ترین مناطق شهر تهران هستند. بخش عمده این جمعیت را افراد ۲۵ تا ۳۰ سال تشکیل می‌دهند. هم‌اکنون ۴ میلیون و ۳۲۴ هزار نفر از جمعیت تهران را مردان و ۴ میلیون و ۳۷۰ هزار نفر را زنان تشکیل می‌دهند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵: ۲۷). از این‌رو در نمودار زیر ساختار جمعیت کلانشهر تهران ترسیم شده است.



شکل ۱۰. ساختار جمعیت شهر تهران

(مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵)



شکل ۱۱. هرم سنی جمعیت شهر تهران در سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵

(مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۹:۳۳)

در نهایت طبق آمار موجود می‌توان بیان نمود که کلانشهر تهران در فرصت طلایی پنجره جمعیت قرار دارد و بیشتر این جمعیت در سن فعالیت و کار قرار دارند که می‌تواند با برنامه‌ریزی مناسب برای این جمعیت جوان، زمینه توسعه شهر و رشد و بالنگی شهروندان این کلانشهر را فراهم آورد. لذا این کلانشهر با منابعی که در آن وجود دارد، می‌تواند شغل‌های جدیدی مبتنی بر تغییر و تحولات موجود ایجاد نماید. بر این اساس ساختار جمعیتی کلانشهر تهران گویای منبعی مهم در این شهر است که باید مورد توجه مسئولین و برنامه‌ریزان این شهر قرار گیرد. به هر میزان که بتوان از این منبع استفاده نمود می‌توان آینده این شهر را روشن و پایدار پنداشت.

چهارمین منبع قدرت با ماهیت انسانی در کلانشهر تهران؛ «ترکیب جمعیت»

ترکیب قومی و فرهنگی جمعیت که الگوی غالب اکثریت نقاط شهری را شکل می‌دهد. به طور کل ترکیب قومی و فرهنگی جمعیت در یک شهر مانعی بر سر راه توسعه و پیشرفت آن می‌باشد. زیرا این شهرها به طور مداوم در داخل درگیر فرآیندهای رقابت و کشمکش شده و در نهایت جنگ شهری را رقم می‌زنند که نتیجه آن جز نابودی و عدم توسعه شهر دستاورد دیگری نخواهد داشت. اما مبحث ترکیب جمعیتی از آن جا مهم می‌باشد که در عصر حاضر به دلیل آن که اکثریت شهرهای جهان با بحران‌های متعددی روبه‌رو هستند، جمعیت شهرنشین از آن مکان‌ها مهاجرت کرده و به شهرهایی می‌روند که در آنجا همه نوع امکانات و خدمات وجود داشته باشد. بر این مبنای مهاجرت به شهرهایی که از وضع بهتری برخوردارند به شدت به تمام نقاط شهری جهان تسری پیدا کرده است و تعدادی از شهرهای بزرگ جهان را با تنوع و تعدد قومیتی روبه‌رو کرده و همچنین مدیریت این شهرها را در امر ساماندهی با مشکل روبه‌رو ساخته است. اما در برخی اوقات ساکنین شهرها مهاجرین را می‌پذیرند و با آنها سازگاری پیدا می‌کنند، در این صورت امکان توسعه و پیشرفت شهر فراهم می‌شود که نقش مهمی می‌تواند در قدرت شهری جهت رقابت با سایر شهرها داشته باشد. در نهایت اینکه ترکیب قومی و فرهنگی جمعیت در یک شهر

بستگی به مهاجرپذیری و در پی آن سازگاری مردمان شهر با مهاجرین دارد که اگر سازگاری بالا باشد می تواند زمینه پیشرفت و قدرت شهر را فراهم آورد و در رقابت با سایر شهرها به برتری دست یابد زیرا وجود تنوع قومیتی و فرهنگی می تواند اصالت غنی را به شهر اعطا کند. البته در جهت مخالف این نیز می توان تصویری داشت (جان پرور و قربانی سپهر، ۱۳۹۶: ۱۵۸-۱۵۷).

به هر روی بعد از اینکه در دوره قاجار تهران پایتخت ایران شد، این شهر در طول قرن نوزدهم با سرعت چشمگیری توسعه پیدا کرد و بسیاری از مهاجران با قومیت های مختلف در این شهر ساکن شدند و زمینه تنوع قومیتی در این شهر شدند به طوری که سه چهارم جمعیت این شهر از استان های دیگر که بیشتر از اصفهان و شیراز و کاشان بود در ابتدا به این شهر آمدند و سپس از مازندران، تبریز و سایر شهرها به این شهر مهاجرت کردند. حقیقتاً از گذشته تهران شهری چند قومیتی بود. به طوری که اقوام ترک، کرد و عرب ها نیز در این شهر سکنی گزیدند همچنین عشایر هم به این شهر آمدند و همچنین غیرمسلمانان مانند کلیمیان، ارامنه، زرتشتی ها محله ای مخصوص به خود در این شهر ایجاد کردند. به عبارت دیگر، تهران همانند کوره ای برای مردمان مختلف از جغرافیا، اقوام و مذاهب گوناگون بود. اما نکته قابل توجه اینکه با وجود این اقلیت ها مذهبی همه با یکدیگر همزیستی مسالمت آمیز داشته اند. به طوری که شهر وسعت پیدا کرد و کلانشهری با بیش از هشت میلیون نفر تبدیل شد (کوندو، ۱۳۹۷: ۱۴۱-۱۲۲). بر این اساس، شهر تهران به عنوان پایتخت جمهوری اسلامی مکتبی کوچک از ایران وسیع و پهناور است که تمام اقوام و مذاهب ساکن در این کشور را در خود جای داده است (فیضی، ۱۴۰۰). تهران از نظر تنوع اقوام و فرهنگ ها بی نظیر است. اما امروزه اقوام مختلفی از سراسر ایران به دلایلی چون کسب شغل و تحصیل ساکن تهران شده و ترکیب جمعیتی منحصر به فردی به وجود آورده اند. هرچند در نگاه نخست، همزیستی این ترکیب جمعیتی دشوار به نظر می رسد، اما گذشت زمان نشان داده که این اقوام دوشادوش هم برای پیشرفت پایتخت تلاش کرده و تاریخ آن را رقم زده اند. هر یک از این اقوام، پیشینه تاریخی و فرهنگی غنی در سبک زندگی، هنر و صنایع دستی و آداب و رسوم خود دارند که توجه به آنها از دو منظر حائز اهمیت است: نخست، ضرورت شناخت مردم از پیشینه فرهنگی و هویتی خود و دوم، استفاده از ظرفیت های فرهنگی و اقتصادی اقوام در جهت پیشبرد اهداف اجتماعی و اقتصادی شهر تهران (همشهری، ۱۳۹۹). بنابراین، وقتی اقوام مختلف برشی از بافت فرهنگی خود را در تهران پیاده کنند، می تواند برای مخاطب ایرانی و غیرایرانی جذاب باشد. همانطور که رستوران هایی در پایتخت به طبع غذای جنوبی، شمالی و آذری و... پرداخته و بر جذابیت شهر افزوده اند، ضمن حفظ هویت معماری تهران، تکثیر و تنوع در معماری شهر و الهام گرفتن از معماری اقوام و شهرهای مختلف جذاب خواهد بود و زمینه رشد فرهنگی این شهر را فراهم خواهد آورد.

بنابراین، ساکنان کلانشهر تهران متشکل از کسانی است که از اطراف و اکناف ایران با عقاید، فرهنگ ها، زبان ها و ادیان مختلف در آن جای گرفته و در یک بافت ملی در کنار هم زندگی می کنند. شاید از همین منظر و با تنوع قومی - فرهنگی موجود، تهران را بتوان نمادی از ایران واحد دانست. وجود پیروان ادیان مختلف الهی اعم از مسیحی، یهودی و زرتشتی که در کنار اکثریت مسلمان به صورت کاملاً مسالمت آمیز با یکدیگر در این شهر به زندگی و فعالیت می پردازند، خود نشانه ای از شکل گیری یک جامعه مدرن و پویا تلقی می شود. نحوه استقرار مکانی پیروان ادیان مختلف در مناطق شهر تهران، بیانگر تمرکزگرایی فضایی محل سکونت آنان در قسمت های مرکزی شهر می -

باشد. پیروان دین مسیحی که بزرگ‌ترین اقلیت مذهبی ساکن در شهر تهران محسوب می‌شوند، عمدتاً در نواحی ۱ و ۳ از منطقه ۶، ناحیه ۳ از منطقه ۷ و نواحی ۲ و ۳ منطقه ۸ استقرار دارند. این در حالی است که برخی از نواحی سایر مناطق مجاور (۲، ۳، ۴، ۵، ۱۱، ۱۲ و ۲۲) کانون اصلی نیز با نسبتی بسیار کمتر، موجد جمعیت با دین مسیحی هستند. از جمله مهمترین مراکز مذهبی مسیحیان ساکن در تهران می‌توان به کلیسای گئورگ مقدس (که محله آن قبلاً ارمنی‌نشین بوده ولی اکنون تنها کوچه‌ای در این محل به نام کوچه آرامنه وجود دارد)، کلیسای تادئوس و بارتولیموس مقدس (قدیمی‌ترین کلیسای ارمنی شهر تهران که برای مدتی از حیاط این کلیسا برای دفن افراد سرشناس و از اتاق‌های آن به‌عنوان کلاس درس آرامنه استفاده می‌شده است)، کلیسای میناس مقدس، کلیسای مریم مقدس، کلیسای تارگمانچاس، کلیسای سرکیس مقدس (بزرگ‌ترین کلیسای حواری ارمنی در تهران)، کلیسای گریگور لوساووریچ (روشنگر)، کلیسای وارتان مقدس، کلیسای هوانس (یوحنا مقدس)، کلیسای استپانوس مقدس و کلیسای صلیب مقدس اشاره نمود. به استثنای سه مورد، بقیه کلیساها در مناطق مرکزی شهر قرار دارند. همچنین کلیمیان یا همان پیروان دین یهود که دومین اقلیت دینی به لحاظ تعداد جمعیت در شهر تهران به حساب می‌آیند، همانند اقلیت مسیحی در مناطق مرکزی شهر شامل منطقه ۶، ناحیه ۳ از منطقه ۷ و ناحیه ۱ از منطقه ۱۱ سکونت دارند (اطلس کلانشهر تهران، ۱۳۹۸).

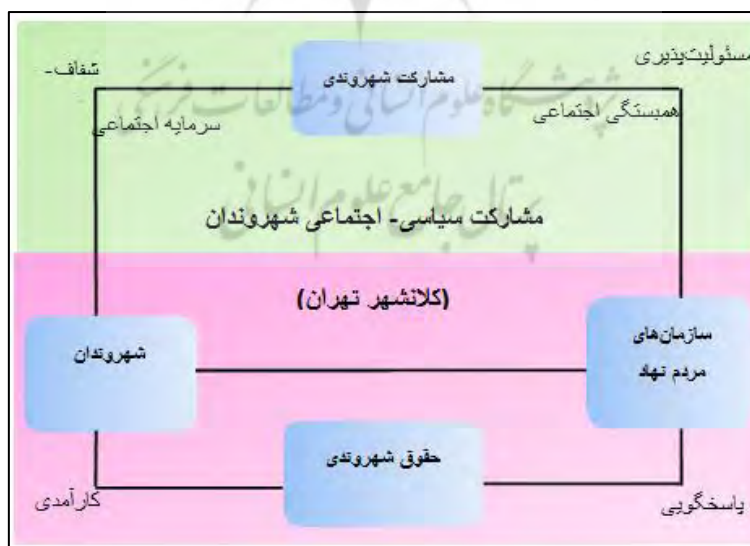
بنابراین، ترکیب جمعیت (اقوام و مذاهب و زبان‌ها) در کلانشهر تهران و همزیستی مسالمت‌آمیز این ترکیب جمعیتی بالا در کنار دیگر خود نشان از یک منبع جغرافیایی بسیار ارزشمند برای این کلانشهر محسوب می‌شود که هر کدام از این اقوام دارای قدرت ویژه خود هستند که با سرمایه و تخصصی که در این کلانشهر آورده‌اند، زمینه رشد و بالندگی این شهر را در طی سالیان سال فراهم آورده‌اند و هم زمینه رشد خود شده‌اند و توسعه این شهر را به همراه داشته است که می‌تواند مدیران و برنامه‌ریزان برای ترکیب جمعیت این کلانشهر که در آینده چشمگیرتر خواهد شد برنامه ویژه داشته باشند که همراه با افزایش احساس تعلق به کلانشهر تهران شود و این شهر را شهر خود بدانند. زیرا آبادانی و توسعه یک شهر در گرو احساس تعلق خاطر شهروندان به آن شهر است که شهر تهران ظرفیت آن را دارا می‌باشد که همچنین شهرداری تهران با برگزاری جشنواره‌های مختلف قومیتی سعی بر جایگاه و شناساندن قومیت‌ها شهر تهران و همچنین وحدت بیشتر را دارد که در نوع خود بی‌نظیر می‌باشد و احساس تعلق خاطر ایجاد می‌کند.

پنجمین منبع قدرت با ماهیت انسانی در کلانشهر تهران؛ «مشارکت سیاسی-اجتماعی شهروندان»

امروزه مشارکت سیاسی یکی از شاخصه‌های جامعه دموکراتیک بوده و نوعی تظاهر علنی مردم برای تعیین سرنوشت جمعی خود است (متقی و همکاران، ۱۳۹۸: ۹۴). از این‌رو مشارکت به معنای حضور آگاهانه در عرصه سیاسی و اجتماعی است. ویژگی اساسی چنین حضوری، خیرخواهی همراه با تفکر و تعقل است (کوهن، ۱۳۷۳: ۴۳). بر این مبنا، در مشارکت عمومی به مردم فرصت داده می‌شود که در تعیین سرنوشت و ساختن آینده خود شریک و سهیم شوند. برخی از فعالیت‌هایی که دربرگیرنده موارد مختلف مشارکت اجتماعی است، عبارتند از: معرفی و شناسایی مجرمین در کلیه موارد، رأی دادن، نام نویسی، فعالیت برای جمع آوری آراء و ثبت نام رأی دهندگان، مقاله نویسی و سخنرانی و عضویت در انجمن‌ها و شوراهای... جست و جوی اطلاعات، بحث کردن و پذیرش مردمی جدید، شرکت در میتینگ‌های سیاسی، کمک مالی به ستادهای انتخاباتی نامزدها، ارتباط داشتن با نمایندگان، شرکت

در امور عام المنفعه، مشارکت در پروژه‌ها و طرح‌های عمرانی، شرکت در تأسیس تشکل‌های صنفی، مشارکت در برنامه‌های حمایت از محیط‌زیست و نظایر آن (کلمن، ۱۳۷۷: ۳۷). اما شهروندان در عصر جهانی شدن، کسانی هستند که اکثراً در فعالیت‌های جدید سیاسی نظیر عملیات مستقیم دخالت دارند و ضمن وابسته بودن به جنبش‌های جدید، معمولاً کمتر در فعالیت‌های سیاسی قدیم و سنتی در چارچوب احزاب سیاسی و اتحادیه‌ها و سندیکاها و مانند این‌ها شرکت می‌کنند. بر این مبنا، شهروندان به‌طور داوطلبانه امکانات خود را جهت کمک به پیشرفت و بهبود شهر به‌کار می‌گیرند. شهروندان فعال با توجه به تخصص و استعداد خود در سازمان‌ها و کمیته‌های محلی گوناگون نظیر انجمن اولیاء و مربیان و سازمان‌های غیر دولتی عضویت و فعالیت می‌کنند (طلا و همکاران، ۱۳۹۸: ۸۵). لذا برای سامان دادن کلانشهر تهران به منظور رسیدن به شهرهای پایدار و شهروند محور، نیازمند مشارکت‌پذیری شهروندان در امر سیاسی-اجتماعی بیش از پیش هستیم. به عبارتی، به هر میزان که شهروندان در مدیریت شهری مشارکت داده شوند شاهد شکوفایی شهروندان و پویایی شهری خواهیم بود که در این صورت شهروندان احساس تعلق بیشتری به شهری که در آن زیست می‌کنند، خواهند داشت و در پی سامان دادن آن با همکاری مدیران شهری برمی‌آیند.

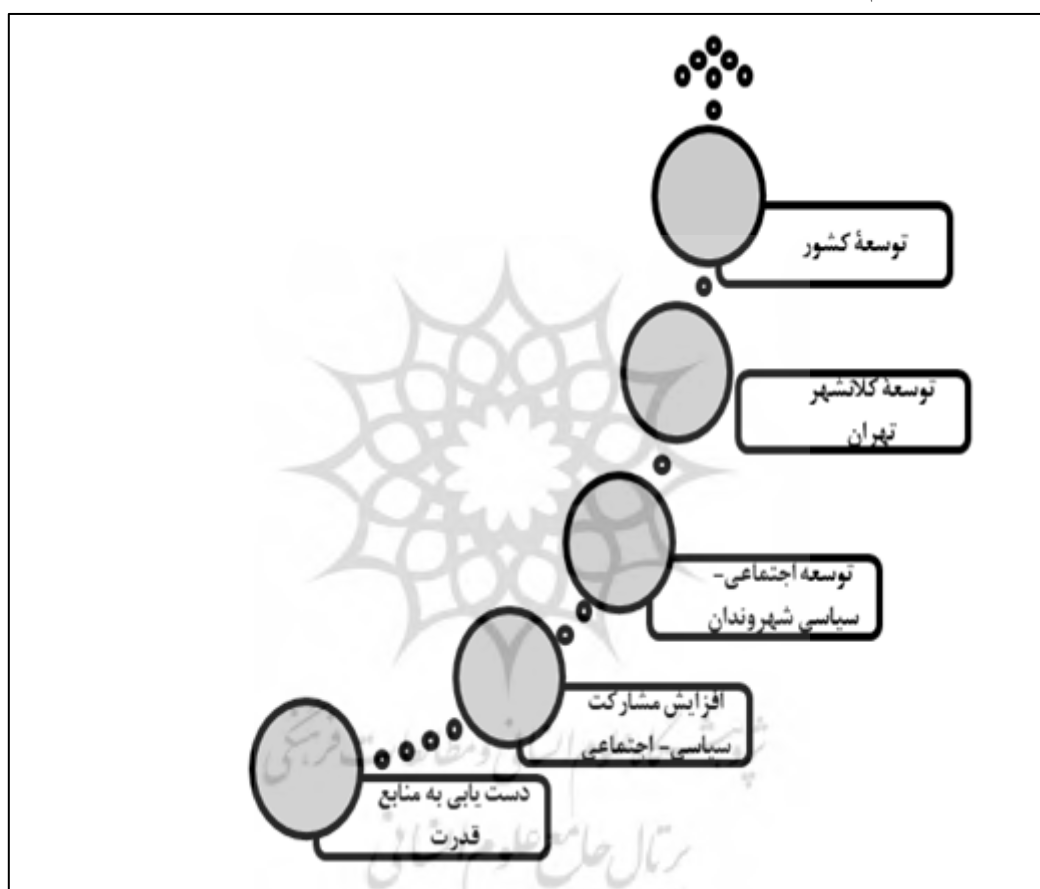
بر اساس آخرین آمار منتشر شده در کشور ۶۹۱۴ سازمان غیردولتی در ایران وجود دارد که شهر تهران با ۱۱۱۴ واحد رتبه اول و اصفهان با ۹۸۴ واحد رتبه دوم را به خود اختصاص داده است (قربانی سپهر و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۶). لذا این حجم از سازمان‌های مردم‌نهاد در شهر تهران نشان از آن دارد که این شهر به عنوان قطب سیاسی و اقتصاد کشور و میزان جمعیت بالایی است که این شهر را تشکیل داده است (اسلامی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۵۰). لذا این حجم جمعیت با مشارکت سیاسی و اجتماعی در سرنوشت کشور هم تأثیر گذارند به‌طوری‌که در انتخاب شدن رئیس‌جمهور با جمعیت بالای این شهر، نقش چشمگیری دارد که این به معنای جایگاه مشارکت سیاسی شهروندان تهرانی در سرنوشت‌سازی کشور است.



شکل ۱۲. مدل مشارکت سیاسی-اجتماعی شهروندان کلانشهر تهران

(مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۰)

اما به علت مشکلات اقتصادی در کشور در انتخابات یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۹۸ و همچنین انتخابات ریاست جمهوری و انتخابات شوراهای شهر در سال ۱۴۰۰ مشارکت سیاسی-اجتماعی شهروندان تهران به میزان قابل توجهی در مقایسه با سایر نقاط کشور کاهش داشته است. لذا شهروندان تهران نقش مؤثری در توسعه سیاسی کشور دارند که به عنوان یکی از مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی قدرت برای کلانشهر تهران و کشور در مقیاس ملی محسوب می‌شود که می‌تواند دولت محلی و دولت ملی در صدد ارائه برنامه‌ها و استراتژی‌هایی باشند تا بتوانند مشارکت سیاسی-اجتماعی شهروندان تهرانی را به عنوان یک منبع قدرت پایدار در توسعه بیشتر نمایند. به هر روی فراهم‌سازی مشارکت سیاسی-اجتماعی و دادن اختیارات به شهروندان از سوی مسئولین به شهروندان تهرانی زمینه قدرت شهروندان را فراهم می‌آورد.



شکل ۱۳. مشارکت سیاسی-اجتماعی_منبع قدرت در کلانشهر تهران

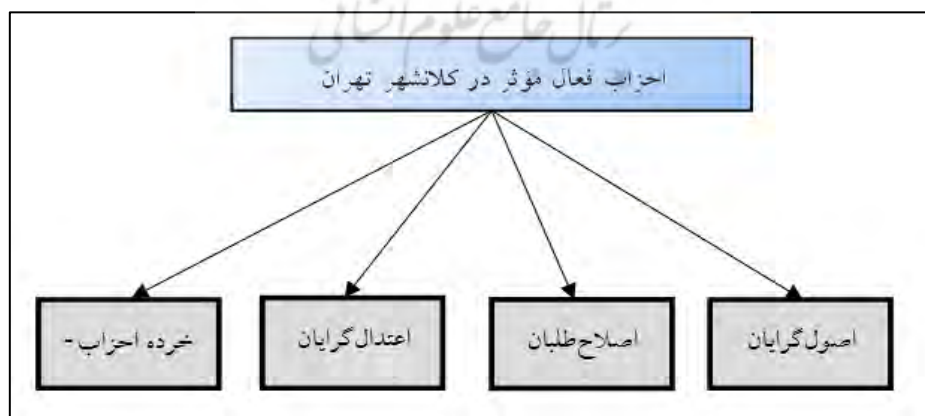
(مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۰)

- ششمین منبع قدرت با ماهیت انسانی در کلانشهر تهران؛ «مرکزیت احزاب سیاسی»

امروزه احزاب یکی از ضروریات زندگی جوامع بشری در دوره مدرن محسوب می‌شود به طوری که یکی از مؤثرترین نهادهای تأثیرگذار بر روندهای تصمیم‌گیری و اجرائی کشور و به عنوان حلقه رابط بین مردم و حاکمیت سیاسی عمل می‌کند (زیباکلام و مقتدایی، ۱۳۹۳: ۸). احزاب سیاسی با سازمان دادن به اندیشه‌ها و گرایش‌های سیاسی موجود در جامعه در عین حالی که عامل تقسیم کردن و متشکل ساختن مردم به شاخه‌ها و بخش‌های گوناگون‌اند، عامل نزدیک کردن و تلفیق نمودن خرده گرایش‌های فردی و اجتماعی در قالب دکترین‌ها، ایدئولوژی‌ها و یا

نظام‌های اندیشه‌ای کم و بیش منسجم می‌باشند این معنی، طبعاً به مبارزه‌های انتخاباتی ابعاد عمیق‌تری می‌بخشد و معنی و مفهوم موضوعات مورد مبارزه را از شکل فردی و گاهی سطحی خارج کرده و به آن رنگ و بوی فلسفی، اجتماعی و فرهنگی می‌افزاید و به صورت مسائل سازمان‌یافته‌تر به بازار سیاست عرضه خواهد کرد. همچنین انتخابات حزبی بر انتخابات بدون حزب، برتری دارد. چرا که در صورت نخست تعداد نامزدهای انتخابات معقول‌تر خواهد بود و این امر خود از پراکندگی آراء شهروندان جلوگیری بعمل می‌آورد و قدرت نمایندگی منتخبین را افزایش خواهد داد. در حالی که اگر احزاب وجود نداشته باشد، شهروندان هم از حیث نامزدی و هم از جهت رأی دادن دچار پراکندگی گردیده و طبعاً ضریب قدرت پشتیبانی نمایندگان کاهش خواهد یافت و عمل رأی دادن به جای اینکه بر مآخذ برنامه سیاسی یا فکر و اندیشه مرامی و مسلکی باشد بر پایه وابستگی به شخصیت‌ها و لزوماً احساسی یا سطحی خواهد بود (رضایی، ۱۳۸۵: ۲۰۳-۲۰۱).

به هر روی از آن جهت که تهران به عنوان پایتخت سیاسی کشور است، مرکزیت احزاب سیاسی اثرگذار کشور در این شهر است و نماینده‌هایی در سایر شهرها و استان‌ها انتخاب می‌کنند که وظایف و اهداف حزب را در آن استان و شهر پیگیری می‌کنند به طوری احزاب مرکزی تهران جهت دهنده به زیرمجموعه‌های خود در سایر شهرهای کشور هستند و به نوعی بر روند کار آنان نظارت می‌کنند. شایان ذکر است نماینده یک حزب در یک استان شدن قدرت زیادی به افراد می‌بخشد که آنها به آن قدرتی که یک حزب رسمی از آن فرد به همراه دارد آن شخص در انتخابات مجلس شورای اسلامی و انتخابات شورای شهر شرکت کرده و رأی می‌آورد و هم اکنون در بسیاری از انتخابات کشور این امر مشهود بوده است که اگر حزب مرکزی از یک فرد حمایت کند، آن شخص چون به جغرافیای قدرت و حمایت متصل است، می‌تواند در انتخابات پیروز شود که این نشان از قدرتی است که پایتخت به این احزاب داده است و احزاب با منابعی که در پایتخت در اختیار دارند به این قدرت بازیگری دست یافته‌اند و بر سرنوشت کشور تأثیر می‌گذارند که نشان آن در یک دوره اصول‌گرایان برای ۸ سال کشور و شهرها را در اختیار داشتند و سپس در انتخابات ۱۳۹۲ ریاست جمهوری، اعتدال‌گرایان و اصلاح‌طلبان مدیریت کشور و بسیاری از شهرها را بر عهده داشتند و سپس از سال ۹۸ و انتخابات ۱۴۰۰، با متحد شدن اصول‌گرایان در مرکز، توانستند قدرت را در اختیار گرفته و کشور را مدیریت نمایند.



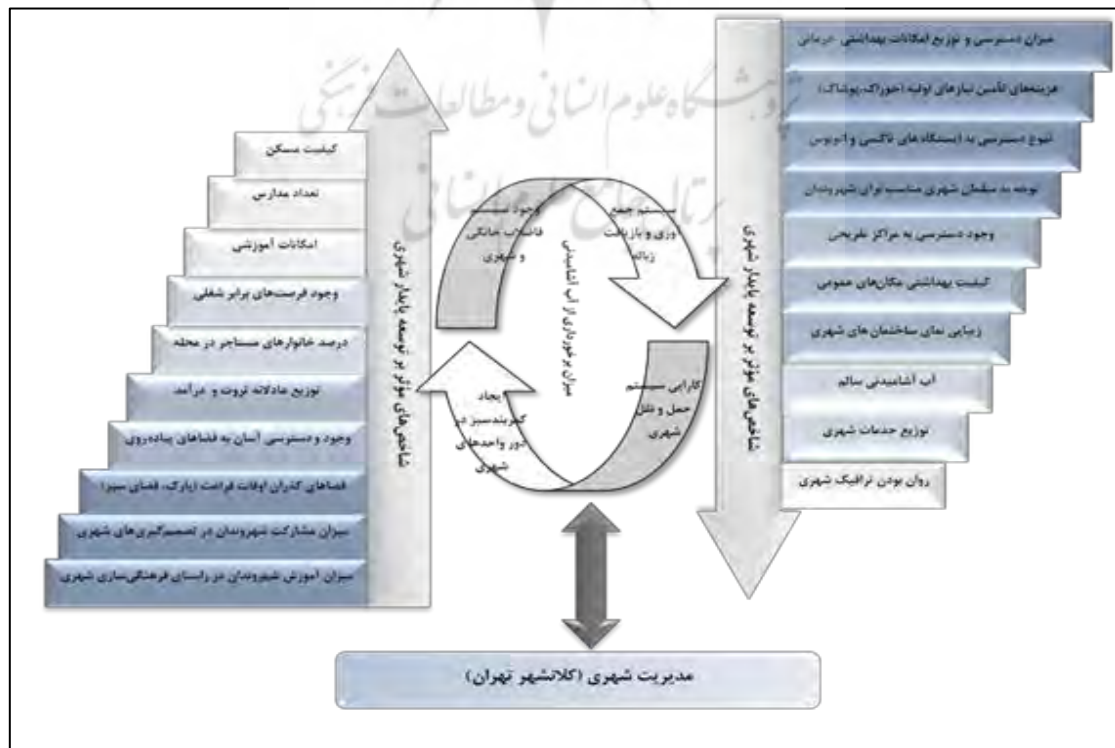
شکل ۱۴. حزب‌های مؤثر در کلانشهر تهران

منبع: (نگارندگان، ۱۴۰۰)

بنابراین، مرکزیت احزاب در شهر تهران به این شهر یک قدرت ویژه‌ای بخشیده است که جایگاه ژئوپلیتیکی آن را بیش از پیش در کشور تحکیم کرده است و به نوعی هم احزاب از ظرفیت‌های کلانشهر تهران در جهت قدرت خود استفاده می‌کنند و هم حضور احزاب به شهر تهران جایگاه ژئوپلیتیکی بخشیده است به‌طوری‌که در هر دوره یک حزب مؤثر در شهر تهران، مدیریت شهر تهران و به صورت کلان‌تر مدیریت کشور را بر عهده می‌گیرد که می‌توان مرکزیت احزاب در این کلانشهر را به عنوان یکی از مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی کلانشهر تهران محسوب کرد.

هفتمین منبع قدرت با ماهیت انسانی در کلانشهر تهران؛ «مدیریت شهری کارآمد»

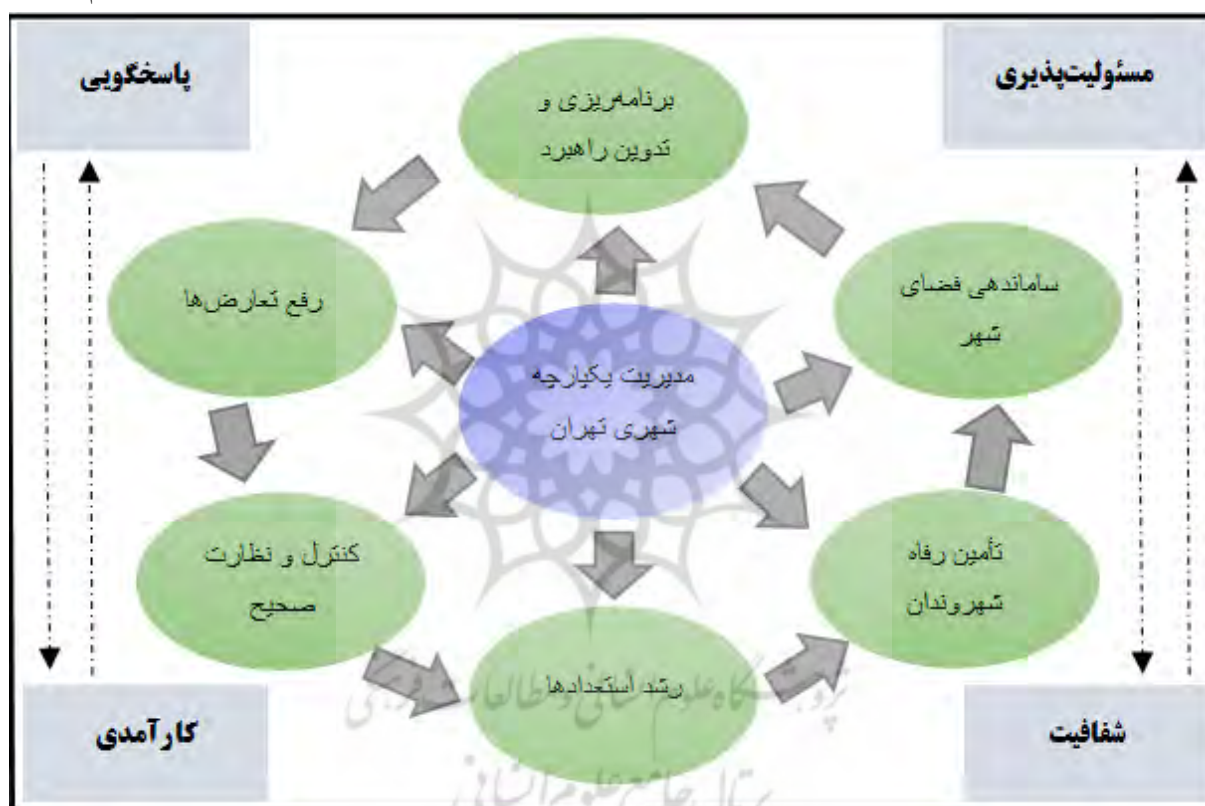
مهمترین هدف مدیریت شهری را می‌توان در ارتقای شرایط کار و زندگی جمعیت ساکن در قالب اقشار و گروه‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی و حفاظت از حقوق شهروندان، تشویق به توسعه اقتصادی و اجتماعی پایدار و حفاظت از محیط کالبدی دانست (شیعه، ۱۳۸۲: ۳۹). همچنین مدیریت شهری باید ضمن دارا بودن برنامه برای وضع موجود شهر و فائق آمدن بر مشکلات آن، برنامه‌های آینده شهر را تدوین کرده و بر اساس آنها به ترسیم آینده آید که بر مبنای واقعیت‌ها و شرایط زمان و مکان قرار دارد پردازد. مدیریت شهری باید حافظ شهرها و منافع مردم شهرها باشد (تقوایی و صفرآبادی، ۱۳۹۰: ۴۰). در واقع، هدف سیستم مدیریت شهری به مثابه جزئی از سیستم حکومتی، اداره امور شهرها است (داداش‌پور، ۱۳۸۰: ۸۶). از این رو، شهرداری در میان دستگاه‌های اجرایی بیشترین مسئولیت را در ارتباط با شهر دارد. بخشی از مسئولیت این نهاد اجرایی است. مثل جمع‌آوری زباله و نظافت آسفالت و تامین روشنایی معابر؛ بخشی دیگر از وظایف شهرداری جنبه برنامه‌ریزی و نظارت دارد و عبارت است از نظارت بر رعایت استانداردهای ساخت مسکن، جلوگیری از ساخت و ساز غیر قانونی در محدوده شهر، تهیه طرح‌های موضوعی و تفصیلی برای موارد خاص از قبیل ساماندهی حاشیه شهر، نظارت بر رعایت اصول شهرداری، و سیاست‌های طرح‌های بالادست مصوب وزارت مسکن و شهرسازی در توسعه‌های جدید شهر (مهندسان مشاور فرهنگ، ۱۳۸۶: ۱۲۷).



شکل ۱۵. شاخص های مدیریت شهری کارآمد در کلانشهر تهران

منبع: (متقی و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۴۵)

به هر روی مدیریت شهری کارآمد در شهر تهران زمانی می تواند رخ دهد که ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیستی آن در همه سطوح و گام ها در جهت توسعه متوازن در نظر گرفته شود. بر این اساس سلامتی به ویژه سلامتی شهر و در راستای آن سلامت تهران نشینان یکی از شاخص های اصلی مدیریت شهری باید باشد تا شهروندان تهرانی بتوانند در آسایش و آرامش و با کیفیت تمام زندگی نمایند. بدین ترتیب سلامت تهران نشینان در گرو داشتن محیط سالم و بسترهای مناسب اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و زیست محیطی است که شهروندان پایه و اساس و به عبارتی سرمایه اصلی آن را تشکیل می دهند. در ادامه عوامل مؤثر بر کارآمدی مدیریت کلانشهر تهران اشاره می نمایم.



شکل ۱۶. الگوی مدیریت یکپارچه کارآمد شهری در کلانشهر تهران

(مأخذ: طلا و همکاران، ۱۴۰۰: ۳۹۰)

الف) مسئولیت پذیری مدیران شهری تهران: مدیران سیاسی شهر در راستای اثرگذاری ها و اجرای قانون در فضای شهر تهران باید مسئولیت پذیر باشند به گونه ای که اگر شهروندان اعلام نارضایتی نسبت به جریان های شهری داشتند، مدیران شهر مسئولیت کم کاری خود را بپذیرند و در راستای مدیریت بهینه آن، اقدام کنند.

ب) پاسخگویی مدیران شهری تهران: در کلانشهر تهران، به منظور توسعه و مدیریت بهینه فضای شهر، مدیران شهری نسبت به اقدام های خود در فضای شهر باید پاسخگویی شهروندان باشند.

ج) شفافیت مدیران شهری تهران: از آن جهت که در جهان کنونی لابی های بسیاری در فضای شهر تهران به نفع سرمایه دران صورت می پذیرد و روز به روز سرمایه داران را به سود بیشتری می رساند. بر این پایه، یکی از وظایف

اصلی مدیریت سیاسی شهر تهران به عنوان رکن اصلی مدیریت شهر و اینکه بر تمام مناسبات شکل گرفته در فضای شهر آگاهی دارد، باید به‌طور شفاف گزارش‌های رسیده را به شهروندان ارائه دهد و به‌طور شفاف شهروندان را در جریان این‌گونه مناسبات شکل گرفته در فضای شهر بگذارد که زمینه‌ای برای آگاهی‌بخشی شهروندان می‌شود و اطمینان بیشتر شهروندان را به نمایندگان خود در شهر، فراهم می‌سازد.

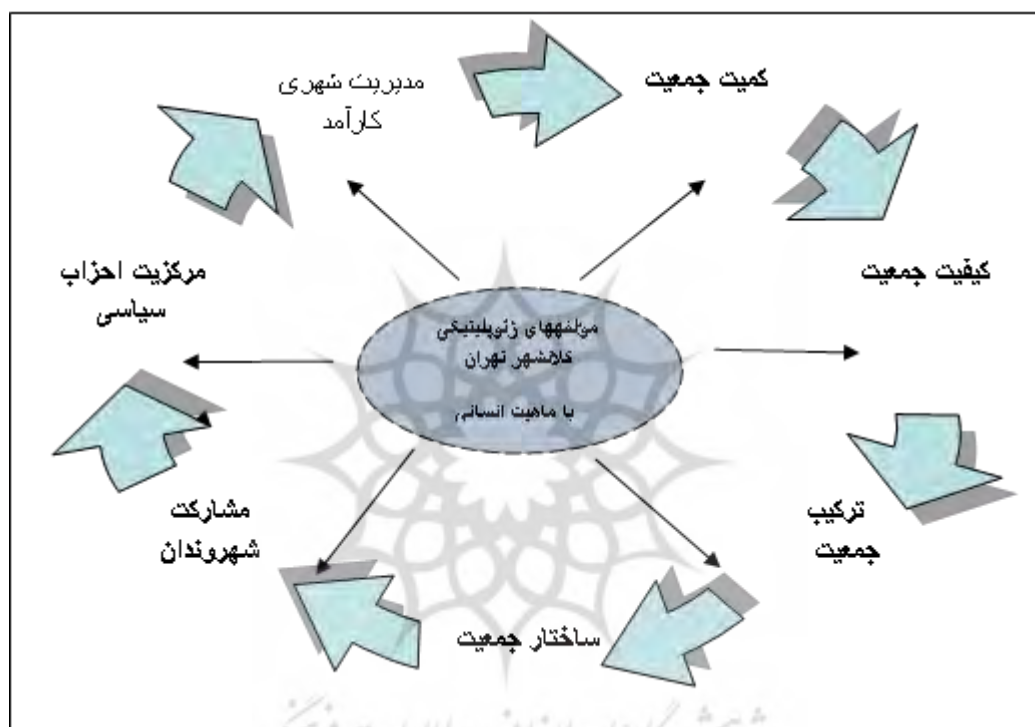
د) کارآمدی مدیران شهری تهران: امروزه مدیریت شهری تهران برای آن‌که بتواند در حوزه شهر، کارآمد باشد نیازمند بهره‌گیری از مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی شهری است. از سوی دیگر نیاز است که مدیریت شهری، از شهراندیشان و نخبگان شهری در راستای کارآمدی برنامه و سیاست‌های شهری بهره‌گیرند. زیرا، یکی از عناصر مهم حکمروایی خوب شهری، اثربخشی و کارایی سیستم‌های برنامه‌ریزی شهری است که این کار با بهره‌گیری از شهروندان و نخبگان شهری ممکن می‌شود (طلا و همکاران، ۱۴۰۰: ۳۹۰-۳۸۹).

بنابراین، در زمان حاضر که شهرها دچار بحران‌های بسیاری شده‌اند، شهری مانند تهران هم از این بحران‌ها بی‌امان نبوده است که بخشی از این بحران‌ها ماهیت طبیعی دارند و برخی دیگر ماهیت انسانی. لذا مدیریت این کلانشهر با این بحران‌ها کار بسیار سخت و دشواری می‌باشد که در طول این چند دهه مدیریت شهر تهران توانسته تا حدودی برخی از این بحران‌ها را کاهش و کنترل نماید. از این‌رو، در شرایطی که بسیاری از شهرهای کوچک درگیر بسیاری از مشکلات هستند اما کلانشهر تهران توانسته با شروع انواع پروژه‌های شهری و همچنین پایان بسیاری از پروژه‌های عمرانی، تحولات شگرفی در این کلانشهر ۱۰ میلیونی ایجاد کنند از جمله آن مدیریت مترو شهری که کار بسیار سخت و دشواری می‌باشد که شهرداری تهران به خوبی از پس آن برآمده است و اکثر مناطق تهران به متروی شهری مجهز شده‌اند و شهر تهران از شرق به غرب و از شمال به جنوب با اتوبان‌ها به یکدیگر متصل شده‌اند و پروژه‌های گردشگری و خدماتی از جمله کارآمدی مدیریت شهری تهران می‌باشد که به عنوان یکی از مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی این شهر محسوب می‌شود که بسیاری از بازیگران در پی دستیابی به این منبع ارزشمند هستند که نتایج انتخاب شهردار در سال ۱۴۰۰ با انتخاب یکی از نمایندگان مجلس به عنوان شهردار تهران توسط اعضای شورای شهر نشان داد که مدیریت کارآمد می‌تواند بر جایگاه ژئوپلیتیکی این کلانشهر بیش از پیش بیافزاید.

نتیجه‌گیری و دستاورد علمی پژوهشی

امروزه بسیاری از شهرهای جهان برای آن‌که بتوانند در رقابت حضور داشته باشند، در پی شناخت و کسب منابع جغرافیایی می‌باشند که در این بین منابع جغرافیایی قدرت با ماهیت طبیعی و انسانی از جمله این منابع می‌باشد که مدیریت شهری با کمک نخبگان می‌تواند این منابع را در فضای شهرها شناسایی کند و با آن منابع به مناسبات پردازند و برای خود قدرت و ثروت بیافرینند. از این‌رو، کلانشهر تهران به عنوان پایتخت سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی کشور از ظرفیت بسیار بالایی برخوردار است. به‌طوری‌که این کلانشهر به دلیل کمیت جمعیت بسیار زیاد و کیفیت جمعیت بالا و وجود مراکز علمی معتبر و ساختار جمعیتی جوان دارای پتانسیل‌های بسیاری است که زمینه رشد و توسعه این کلانشهر را فراهم آورده است و از سوی دیگر حضور اقوام و ادیان مختلف در این کلانشهر همزیستی مسالمت‌آمیز را فراهم آورده است و وجود مرکزیت احزاب سیاسی در این کلانشهر، بر وزن ژئوپلیتیکی این کلانشهر افزوده است به‌طوری‌که مرکزیت تمام احزاب، خرده احزاب و خرده گفتمان‌ها در این کلانشهر هست و اتاق فکر از این شهر به سایر شهرها تسری پیدا می‌کند. بر این بنیاد، کلانشهر تهران به عنوان

وسیعترین کلانشهر ایران، مدیریت شایسته آن بسیار کار سخت و دشواری می‌باشد که از این بین داشتن مدیریت کارآمد شهری به عنوان یکی از منابع قدرت با ماهیت انسانی در این کلانشهر می‌باشد که تا حدودی توانسته این شهر با این ظرفیت را مدیریت کند به طوریکه مدیریت این کلانشهر کار بسیار دشواری می‌باشد زیرا به واسطه کمیت جمعیت زیاد این کلانشهر با بحران‌های بسیاری روبه رو شده است، اما با اولویت امر پژوهش در برنامه‌های این کلانشهر، مدیریت شهری توانسته خدمات شایسته‌ای به شهروندان ارائه دهد و از آنها در مشارکت شهروندی بهره گیرد و به نسبت سایر کلانشهرهای ایران، شهروندان تهرانی نقش مؤثری در توسعه این شهر داشته‌اند. بر این اساس این مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی با ماهیت انسانی به کلانشهر تهران مزیت رقابتی بخشیده است تا بتواند در سطوح (ملی و فراملی) نقش آفرینی کند و برای این شهر جایگاه ژئوپلیتیکی ویژه‌ای کسب کند.



شکل ۱۷. مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی کلانشهر تهران با ماهیت انسانی

(مأخذ: نگارندگان: ۱۴۰۰)

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم می‌دانند از صاحب‌نظرانی که با بیان نظرات خود بر پُربارتر شدن این مقاله تأثیرگذار بوده‌اند، و همچنین دانشگاه خوارزمی و مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران که با حمایت‌های مادی و معنوی خود، زمینه به ثمر رسیدن این مقاله را فراهم ساخته، تشکر و قدردانی نمایند.

منابع

- اسلامی، محمد حسین؛ رجبلو، جعفر و محسن داودخانی. (۱۳۹۸). بررسی میزان مشارکت سیاسی شهروندان تهرانی با تأکید بر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، فصلنامه پژوهش اجتماعی، سال دوازدهم، شماره ۴۵، صص ۱۶۷-۱۴۹.
- اطلس کلانشهر تهران (۱۳۹۵).
- آمارنامه شهر تهران. (۱۳۹۸). سالنامه آماری شهر تهران، تهران: شهرداری تهران.

انصاری، زهرا؛ قربانی سپهر، آرش و مهدی خداداد. (۱۳۹۸). بررسی مناطق ژئوپلیتیکی شهر تهران بر اساس شاخص توسعه یافتگی (مطالعه موردی: منطقه ژئوپلیتیکی شمال - مرکز)، مجله علوم جغرافیایی (جغرافیای کاربردی)، دوره ۱۵، شماره ۳۱، صص ۱۱۸-۱۰۷.

بشیریه، حسین. (۱۳۷۸). دولت و جامعه مدنی: گفتمان‌های جامعه‌شناسی سیاسی، تهران: انتشارات نقد و نظر. جان پرور، محسن؛ قربانی سپهر، آرش. (۱۳۹۶). ژئوپلیتیک شهری، تهران: انتشارات انجمن ژئوپلیتیک ایران. جان پرور، محسن؛ قربانی سپهر، آرش. (۱۳۹۷). تبیین و شناخت مؤلفه‌های ژئوپلیتیک شهری، فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال هشتم، شماره چهارم، صص ۳۱۰-۲۸۹.

داداش پور، هاشم و سید امیررضا میری لواسانی. (۱۳۹۴). تحلیل الگوهای فضایی پراکنده‌رویی در منطقه کلانشهر تهران، فصلنامه برنامه‌ریزی فضایی، سال ۵، شماره ۱، صص ۱۴۶-۱۲۳. رضایی، اسدالله (۱۳۸۵). کالبدشکافی احزاب سیاسی، تهران: انتشارات آمه.

زیباکلام، صادق و مرتضی مقتدایی. (۱۳۹۳). احزاب سیاسی و نقش آن در توسعه سیاسی ایران؛ مطالعه موردی انتخابات، فصلنامه علوم سیاسی، سال دهم، شماره ۲۹، صص ۲۸-۷.

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان تهران. (۱۴۰۰). شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان تهران، تهران: سازمان برنامه و بودجه کشور.

شیعه، اسماعیل. (۱۳۸۲). لزوم تحول مدیریت شهری در ایران، دو فصلنامه جغرافیا و توسعه، شماره ۱. صادقی، رسول و نسیمه زنجری. (۱۳۹۶). الگوی فضایی نابرابری توسعه در مناطق ۲۲ گانه کلانشهر تهران، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال هفدهم، شماره ۶۶، صص ۱۸۴-۱۴۹.

طلا، حسین؛ متقی، افشین و آرش قربانی سپهر. (۱۳۹۸). دیپلماسی و مدیریت سیاسی شهر (مفاهیم، الگوها و مناسبات در فضای شهر)، تهران: انتشارات انجمن جغرافیای ایران.

عبدی، عطاء الله و محسن مردعلی. (۱۳۹۲). الزامات ژئوپلیتیک مدیریت شهری، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، دانش شهر، شماره ۱۹۵.

قربانی سپهر، آرش و محسن جان پرور. (۱۳۹۷). نگرشی فلسفی بر تخصص‌گرایی یا تجمیع علم جغرافیا، فصلنامه مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، دوره هشتم، شماره ۳۱، صص ۲۲-۱.

قربانی سپهر، آرش؛ ساعدی، محبوبه و آزاده منیری مقدم. (۱۳۹۶). نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در راستای ارتقاء سرمایه فرهنگی و اجتماعی شهروندان، کنفرانس بین‌المللی برنامه‌ریزی و مدیریت شهری، دانشگاه فردوسی.

کلمن، جیمز. (۱۳۷۷). بنیادهای نظریه اجتماعی. ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی، تهران. کمانرودی کجوری، موسی، کرمی، تاج‌الدین، عبدی، عطاء الله. (۱۳۸۹). تبیین فلسفی - مفهومی جغرافیای سیاسی شهر، فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک، سال ششم، شماره سوم.

کندو، نوبوآکی. (۱۳۹۷). مهاجرت و همزیستی قومیت‌ها در تهران دوره قاجار، فصلنامه آرشو ملی، سال چهارم، شماره دوم، صص ۱۴۴-۱۲۰.

کوهن، کارل. (۱۳۷۳). دموکراسی، ترجمه فریبرز مجیدی، انتشارات شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، تهران. متقی، افشین؛ انصاری، زهرا؛ قربانی سپهر، آرش و مراد دلالت. (۱۴۰۰). نگرش ژئوپلیتیکی در رقابت گردشگری شهری با استفاده از شاخص جاذبه گردشگری (مورد بررسی: تهران با سایر استان‌ها)، فصلنامه تحقیقات کاربردی در علوم جغرافیایی، سال ۲۱، شماره ۶۱، صص ۱۱۷-۹۵.

متقی، افشین؛ قربانی سپهر، آرش و زهرا محمدی. (۱۳۹۸). واکاوی نقش دولت‌های محلی در توسعه پایدار شهری (نمونه موردی: شهرهای ایران)، فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال یازدهم، شماره ۴، صص ۳۴۹-۳۲۵. مرکز آمار ایران. (۱۳۹۹). ویژگی‌های جمعیتی، اجتماعی و اقتصادی مناطق ۲۲ گانه تهران در سرشماری سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵، سازمان برنامه و بودجه کشور، دفتر جمعیت، نیروی کار و سرشماری. مرکز آمار ایران. (۱۳۹۵). نتایج تفصیلی سرشماری نفوس و مسکن. مویر، ریچارد. (۱۳۹۲)؛ درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی، ترجمه دره میرحیدر و سید یحیی صفوی، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.

Graham, S. (2004). Postmortem City: Towards an Urban Geopolitics, *Journal City Analysis of Urban Change, Theory, Action* Vol. 8, No. 2, Pp: 165-196. <https://doi.org/10.1080/1360481042000242148>.

Graham, S. (1998). Global Grids of Glass: On Global Cities, Telecommunications and Planetary Urban Networks, *Urban Studies*, Vol. 22, Nos.

Fridman, J. (1986). The World City Hypothesis, *Development and Change Journal*, Vol 17. No1.

Pacione, M. (2002). *Urban Geography, a Global Perspective*, Routled

